

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۱۱ اسفند ۱۳۹۲

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن



زنان مبارز کشور!

بیش از یک قرن از کنفرانس بین المللی سوسیالیستها که پایه و مبدا روز جهانی زن شد، می گذرد. در سال ۱۹۱۰ به پیشنهاد کلاراستکین روز هشتم مارس (۱۷ اسفند) بعنوان روز رزمجویانه زنان برای رفع تبعیض جنسی و برابری حقوق نام گذاری شد. از آن تاریخ پیکار دشوار و پر از فراز و نشیب زنان جهان برای بدست آوردن برابری حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مراحل گوناگونی طی کرده و دستاوردهای بزرگی را با خود به همراه داشته است. در این راه مبارزه خستگی ناپذیر زنان در راه عدالت جنسی و پیوند آن با مبارزه برای عدالت اجتماعی، صلح و آزادی و محیط زیست، دامنه اجتماعی این جنبش را گسترش داد. با نگاهی به تاریخ یکصد ساله گذشته، نشان می دهد که نقش قاطع و تعیین کننده ای زنان در جنبش های جهانی برای عدالت اجتماعی، صلح پایدار و حفظ محیط زیست، داشته و دارند. ما اطمینان داریم پیوند هرچه بیشتر مبارزات زنان جهان با نیروهای آزادیخواه و مترقی متضمن نجات جهان از شرایط دشوار و خطرناکی است جهان با آن روبرو است.

ادامه درص ۲

پیام شادباش نوروزی

به مناسبت فرارسیدن نوروز ۱۳۹۳



نوروز آغاز فصل رویش ها، شکفتن زیبایی ها، نوید بخش زندگی و شادی، نماد عشق و دوستی، سنبل پیروزی نو بر کهنه، فروریختن تاریکی و تاریک اندیشی و زایش روشنایی و گرمی بخش زندگی است. ما این روز فرخنده را به یکایک شما هموطنان گرامی صمیمانه تبریک می گوئیم.

از دیر باز مردم کشور کهن ما در هر زمان و در هر شرایطی نوزایی طبیعت را با رقص و پایکوبی و دید و بازدید به همدلی و هم زبانی تبدیل کرده اند. و با گام های محکم و استوار به جنگ پلیدی ها و پلشتی ها رفته اند تا آینده ای روشن و دور از ظلم و استبداد را در کشور بنا کنند. بی دلیل نیست که نیروهای جهل و خرافه و کهنه اندیش همواره با آئین های مردمی، بویژه آئین نوروزی سر عناد و دشمنی داشته اند.

هموطنان گرامی!

سالی که گذشت برای مردم جهان و ملت ما سالی پر از حادثه های تلخ و شیرین بود. نیروهای مترقی و آزادیخواه در کنار اکثریت مطلق ساکنان این کره خاکی نگران حوادثی هستند که از آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا، اروپا و آسیا در حال وقوع است. حوادث تلخی که در افغانستان، عراق، مصر، سودان، تونس، لیبی سوریه و هم اکنون در اوکراین و ونزوئلا می گذرد، مردم را به شدت نگران آینده جهان کرده است. این امر نشان میدهد که سرمایه داری جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی اش برای غارت بیشتر از هیچ جنابیتی خوداری نمی کنند.

ادامه درص ۲

دستمزد پایه سال ۹۳

دور از انتظار کارگران تعیین شد

حد اقل حقوق کارگران برای ۱۳۹۳ با ۲۵ درصد افزایش به تصویب شورای عالی کار رسید. این مقدار افزایش حقوق با توجه به نرخ تورم اعلام شده از سوی ارگانهای دولتی، حد اقل ۱۰ درصد فاصله دارد. در سال پیش رو اگر بفرض محال نرخ تورم تغییری نداشته باشد، کارگران نسبت به سال جاری ۱۰ درصد فقیرتر خواهند شد. آقای روحانی و دیگر دست اندرکاران حکومتی به کارگران وعده داده بودند که از این پس دستمزد کارگران بر اساس ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته خواهد شد. ماده ۴۱ قانون کار صراحت دارد که دستمزد باید بر مبنای تورم افزایش یابد. مرکز آمار آخرین نرخ تورم را ۳۶.۵ درصد اعلام کرده است.

نهادهای کارگری از مدت ها قبل مذاکرات شورای عالی کار را با نگرانی و حساسیت خاص پیگیری می کردند. کارگران با توجه به تجارب تلخ سالهای قبل، نگران آن بودند که این بار هم در تعیین حد اقل حقوق به سبب هزینه آنان توجهی نشود.

ادامه درص ۳

در این شماره

- ص ۴ دانشگاه تبریز در آستانه هفتاد سالگی
- ص ۵ مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن
- ص ۶ نیم نگاهی به درد اهل قلم
- ص ۷ مبارزه در راه تأمین حقوق زنان کارگر
- ص ۸ کودکان کار و کودکان خیابانی
- ص ۹ روسیه سد یکه تازی اروپا و آمریکا
- ص ۱۴ گرامی باد روز جهانی زبان مادری
- ص ۱۶ سیاست بلاروس در مورد حوادث اوکراین

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات....

هوطنان عزیز!

در ارتباط با جنبش جهانی زنان برای کسب حقوق برابر، در ۱۷ اسفند ۱۳۰۱ به ابتکار زنان مترقی و پیشرو کشورمان نخستین جشن روز جهانی زن توسط "انجمن پیک سعادت نسوان" برگزار شد. در طول ۹۱ سال گذشته زنان میهنمان با پشت سر گذاشتن تمام دشواری ها و زیر سایه سیاست های سرکوبگرانه رژیم های حاکم به هر طریق ممکن، و با اشکال گوناگون روز جهانی زن را جشن گرفته اند.

جشن های ۸ مارس همه ساله عرصه ارزیابی دستاوردهای جنبش مبارزاتی زنان، بررسی شرایط عینی و ذهنی مبارزه، و تجدید عهد برای تلاش بیشتر برای غلبه بر موانع و دشواری های اجتماعی پیش رو بوده است. صفحات تاریخ معاصر میهن مان به حق شاهد مبارزات تحسین برانگیز زنان کشور در مقاطع تعیین کننده، همچون جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ۲۱ آذر، جنبش ملی شدن صنایع نفت، مبارزات انقلابی بر ضد رژیم دیکتاتوری شاه، انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مبارزه برای صلح برای خاتمه جنگ هشت ساله ایران-عراق، و مبارزه بر ضد سیاست های ارتجاعی رژیم "ولایت فقیه" بوده است.

سرکوب خشن حقوق زنان نزدیک بیش از سه دهه گذشته همواره با مقاومت قهرمانانه و مبتکرانه زنان میهن ما رو به رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن، در زندان های قرون وسطایی و در مقابله با شکنجه های ضد انسانی درخیمان رژیم، از صفحات درخشان جنبش رهایی بخش مردم میهن ما در پیکار بر ضد استبداد حاکم است. با این همه زنان میهن ما در سال های اخیر، و در شرایطی که نیروهای مدافع اصلاحات با شعار های ایجاد جامعه مدنی، گسترش دموکراسی و احترام به حقوق انسانی و اجتماعی زنان در عرصه مبارزات سیاسی کشور ظاهر شدند، در همکاری پیگیر و ستودنی با جوانان توانستند، صفحه درخشان دیگری در تاریخ معاصر کشور ایجاد کنند. شکست نماینده رژیم ولایت فقیه در فرآیند ۲ خرداد ۱۳۷۶ حماسه جنبش سبز در خرداد ۱۳۸۸ و نه بزرگ به نماینده نیروهای واپسگرا در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ به میزان قابل توجهی محصول کار و فعالیت زنان، جوانان و دانشجویان بود. جنبش مستقل زنان میهن ما در سال های اخیر دست آورد های ارزنده ای به همراه داشته است. ایجاد شمار زیادی از تشکل های صنفی و اجتماعی، تلاش تحسین برانگیز در زمینه بالا بردن آگاهی اجتماعی، خصوصاً در میان زنان زحمتکش، در کنار کار گسترده فرهنگی و اجتماعی بی شک نقش موثری در زمینه سازماندهی جنبش مستقل زنان میهن ما داشته است. موفقیت های بزرگ زنان میهن ما، در عرصه های علم و دانش، هنر و فرهنگ و ورزش علیرغم تمام محدودیت هایی که سد راهشان بوده است، تحسین جهانیان را برانگیخته است. امسال زنان میهن ما در شرایطی به استقبال روز جهانی زن می روند که سیاست های ویرانگر رژیم ولایت فقیه با شکست آشکار روبرو شده است. سالها سیاست سرکوبگرانه و زن ستیزانه رژیم با عمده کردن مبارزه با "تهاجم فرهنگی" مانند طرح جدا سازی دختران و پسران در آموزشگاهها و دانشگاههای کشور، منع حضور دختران در بسیاری از رشته های دانشگاهی، جلوگیری از شرکت زنان در میداين ورزشی، نظارت همیشگی زنان تحت عنوان مبارزه با بد حجابی، دستگیری و وسیع فعالان زن و احکام سنگین و محرومیت

اجتماعی برای آنان، جلوگیری از انتشار نشریات زنان و منع سفر فعالان زن به خارج ... همه و همه نتوانست ضامنی برای بقای سیاست های ارتجاعی و زن ستیزانه رژیم باشد. آنچه در صحنه مبارزات روزمره خلق های ساکن ایران به اثبات رسیده، نشان میدهد که جنبش مستقل زنان در همبستگی و هم پیوندی با دیگر نیروهای اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان می تواند راه گشای تحولات جدی آینده به سوی تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد.

فرقه دمکرات آذربایجان روز همبستگی جهانی زن را به همه زنان جهان بویژه زنان کشورمان شاد باش می گوید. گرامی باد روز همبستگی رزمجویانه زنان سراسر جهان!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۱۷ اسفند ۱۳۹۲

پیام شادباش نوروزی....

اتفاقاتی تلخی که در سال گذشته، در سوریه و اخیراً در اوکراین و ونزوئلا رخ داده است. بوضوح نشان میدهد که آمریکا و متحدانش برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه خود، تمام نرم های اخلاقی انسانی را زیر پا گذاشته اند. و جالب آنکه تمام این جنایت ها را با عنوان دفاع از حقوق بشر و مبارزه علیه دیکتاتوری و استبداد، صورت می دهند.

مردم ایران نیز در سالی که گذشت شاهد حوادث بسیاری بودند. از بزرگترین رویدادهای سال ۱۳۹۲ شکست محافظه کاران دولتی در انتخابات خرداد و عقب نشینی رژیم در قبال سیاست هسته ای بود. در نبود احزاب و سازمان های آزادیخواه و مترقی و تشکل های مستقل صنفی و در شرایط غیر دمکراتیک، مردم در انتخابات دور یازدهم ریاست جمهوری با زیرکی خاصی پای صندوق رای رفتند و به کسی رای دادند که دیدگاه او در بسیاری از امور با دیدگاه حاکم بر کشور و از آن جمله با نظرات خامنه ای رهبر رژیم متفاوت بود. مردم با همین امکانات محدود توانستند مخالفت خود را با سیاست های جاری و ویرانگر رژیم به گوش جهانیان برسانند و ثابت کنند که علیرغم جو اختناق و سرکوب و بگیر و ببند، که دامنه آن به بخش بزرگی از نیروهای درون حاکمیت نیز کشیده شده است، می توانند با کوچکترین فرصت پیش آمده مهر و نشان خود را بر سیاست جاری کشور بزنند.

دولت آقای روحانی وامدار مردمی است که خواهان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند. و به همین خاطر پای صندوق های رای رفتند. ۹ ماه از انتخاب دولت یازدهم می گذرد. در این مدت گفتمان جهانی دولت تغییر کرده است. مذاکرات برای حل مسئله هسته ای تا حدوی ذهنیت مردم نسبت به آینده نا روشنی که دولت احمدی نژاد بوجود آورده بود، تغییر داده است. بیم از جنگ به نوعی از امید به گشایش فضای سیاسی کشور، تبدیل شده است. با این حال در زندگی و معیشت مردم تغییر چشمگیری رخ نداده است. برای گرانی، بیکاری و دیگر معضلات جامعه راه حل عملی و فوری ارائه نشده است. مقاومت سرسختانه کسانی که مردم به آنها رای

ادامه درص ۳

پیام شادباش نوروزی....

منفی داده اند و بخصوص برخی افشاگری ها از ویژه خواری و دزدی های کلان افراد وابسته به حاکمیت که به کوه قدرت تکیه داده اند و دامنه آن از مرزهای کشور گذشته است در کنار آن افرادی که با تمام قدرت از دولت قبلی حمایت می کنند و مانع فعالیت دولت جدید می شوند. این سنوال را پیش می آورد که دولت تدبیر و امید آیا قادر خواهد بود تا این کوه قدرت و فساد را از پیش پا بر دارد؟ آینده به این سنوال پاسخ خواهد داد.

به باور ما تنها با تکیه بر نیروی لایزال مردم، کارگران، افشار زحمتکش و خلقهای ساکن ایران و همه آن نیروهایی که خواهان تحولات بنیادی در جهت آزادیهای دمکراتیک، پیشرفت و ترقی کشور و عدالت اجتماعی هستند، می توان هر سدی را از میان برداشت. الزام چنین کاری مشارکت آزادانه مردم در سرنوشت خود و از آن جمله آزادی احزاب، تشکل های صنفی، آزادی بیان و قلم و مطبوعات و رسانه های گروهی است.

یک بار دیگر آغاز سال ۱۳۹۳ را به همه هموطنان عزیز بخصوص زنان و مردان غیور آذربایجانی شاد باش می گوئیم. امیدواریم سال پیش رو سال موفقیت و پیروزی مردم در جهت خواسته های برحقشان باشد. برای همه هموطنان نوروزی شاد و آینده ای شکوفا آرزومندیم.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

نوروز سال ۱۳۹۳

دستمزد پایه سال ۹۳

در همین رابطه ۸۰۰ تن از کارگران پتروشیمی تبریز با امضای طوماری خطاب به رئیس جمهوری تاکید کردند اجرای تبصره های ۱ و ۲ ماده ۴۱ قانون کار بهترین راه حل مشکلات معیشتی جامعه کارگری است. کارگران پتروشیمی تبریز در ابتدای این طومار، وعده مزدی آقای روحانی در مصاحبه ها و سخنرانی های پیش از انتخابات ریاست جمهوری مبنی بر افزایش حداقل دستمزد به میزان نرخ تورم و اجرای ماده ۴۱ قانون کار با ۲ تبصره آن را «به حق» و «آگاهانه به وضعیت موجود کارگران» توصیف کرده اند.

امضا کنندگان این طومار با اشاره به تکرار وعده مزدی رئیس جمهور در اولین کنفرانس خبری اش بعد از انتخابات ۲۴ خرداد، گفته اند تکرار این وعده مزدی که میلیون ها نفر آن را گوش می دادند، نور امید را در دل کارگران به وجود آورد تا بعد از مدت ها شاهد اجرای ماده ۴۱ قانون کار با دو تبصره اش باشند.

کارگران پتروشیمی تبریز در پایان با ابراز نگرانی از شائبه صوری بودن جلسات شورای عالی کار، گفته اند: جامعه کارگری به دلیل عدم برگزاری مرتب جلسات شورای عالی کار فکر می کنند دستمزد تعیین شده و فقط در وقت مقتضی اعلام خواهد شد.

پیش از این نیز ۴۲۰ نفر از کارگران شاغل در پارس جنوبی و همچنین یک نهاد کارگری در تهران در نامه های جداگانه ای به رئیس جمهور، خواستار اجرای وعده روحانی به کارگران شده بودند.

احزاب مترقی و عدالت خواه کوشیدند، تا با بیان واقعیت ها و مشکلات کاری و معیشتی زحمتکشان کشور تأثیری مثبت بر روند تصمیم گیری شورای عالی کار داشته باشند، متأسفانه این انتظار بر آورده نشد. چرایی این مسئله بر می گردد به صدها دلیل از آن جمله اقتصاد بیمار و غیر مولد، عدم آزادی های سیاسی و صنفی و یک سویه نگری شورای عالی کار. در همین ارتباط آقای غلامحسین دوانی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به تحلیل شیوه تعیین مزد کارگران در ایران پرداخته است.

آقای دوانی می نویسد:

بنابر آخرین گزارش بانک مرکزی، براساس محاسبه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در دوازده ماه منتهی به بهمن ماه ۱۳۹۲ نسبت به دوازده ماه منتهی به بهمن ماه ۱۳۹۱ معادل ۳۶/۷ درصد است. به این معنی که قیمت کالاها و خدمات در بهمن امسال نسبت به سال گذشته ۳۶/۷ درصد بیشتر شده است.

اگر چه گزارش تازه بانک مرکزی نشان می دهد که از رشد سریع تورم در چند ماه اخیر تا حدودی کاسته شده اما بر اساس همین گزارش، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۰ در بهمن ماه به عدد ۱۸۴/۳ (یکصد و هشتاد و چهار و سه دهم درصد) رسیده است؛ به این ترتیب تنها طی دو سال، قیمت ها تقریباً دو برابر شده و ظاهراً مسئولان فعلی هم این آمار را قبول داشته و آنرا صرفاً برای افزایش عملکرد دولت قبلی بکار می برند نه برای تعیین حداقل دستمزد.

یادآور میشود بدون شک و بر اساس محاسبات همین دولت از سال آینده دوباره جهش قیمتی همراه فاز دوم یارانه ها مثل موریانه بن سفره حقوق بگیران را نشانه خواهد رفت. بنظر میرسد جامعه کار و تولید ایران با یاری از امدادهای غیبی توانسته اند این کاهش درآمد را پوشش دهند که خیال دولتمردان قبلی و فعلی آسوده است ...!

بعد از پایان جنگ تحمیلی تاکنون عموم دولتهای سرکار آمده در زمان تعیین حداقل مزد کارگران بدون توجه به نرخ تورم و فروپاشی معیشت زندگی و بدون رعایت مفاد ماده (۴۱) قانون کار و قبل از جلسات تعیین حداقل مزد در شورای عالی، با ایما و اشاره و اعمال فشار و از طریق تعیین نمایندگان کارگران و کارفرمایان توسط دولتی ها، به افزایش مزد معادل ۲۰ الی ۲۵ درصد تن داده اند. جالب آنکه تقریباً همه دولتها و وزرای کار و بیکار هم همیشه مدعی بوده اند افزایش مزد بیشتر از نرخ تورم بوده است! اگر چه پس از گذشت دو سه هفته بلافاصله بانک مرکزی و یا مرکز آمار نرخ تورم را بیشتر از نرخ افزایش مزد اعلام نموده و هیچکس هم بخاطر این دروغ بزرگ زیر سوال قرار نمی گیرد. راستی چرا وقتی می خواهیم اقتصاد دولت احمدی نژاد را ویران نشان دهیم نرخ تورم واقعی را ۶۶ درصد اعلام کردیم اما وقتی می خواهیم مزد

را تعیین کنیم نرخ تورم کمتر از ۲۵ درصد می شود! بر اساس آمار رسمی منتشر شده توسط بانک مرکزی، هر خانوار ایرانی در سال ۹۱ به طور میانگین یک میلیون و ۷۴۷ هزار تومان هزینه خوراک و غیرخوراکی داشته است و در مقابل میانگین درآمد پولی خانوار در این سال یک میلیون و ۱۴۰ هزار تومان ماهانه برآورد شده است که مقایسه این آمار نشان می دهد میانگین درآمد خانوار ۳۵ درصد کمتر از متوسط هزینه ها بوده است.

ادامه درص ۴

دستمزد پایه سال ۹۳

حتی اگر درآمدهای غیرپولی خانوار را هم به مجموع درآمدها اضافه کنیم باز هم هر ماه متوسط درآمد خانوار به یک میلیون و ۳۵۸ هزار تومان می‌رسد که ۲۲ درصد عقب‌تر از هزینه‌های ماهانه خواهد بود. بدنیست دولت محترم همانطوری که به نقد دولت قبلی نشسته، آمار مخارج و درآمد واقعی سال ۱۳۹۲ را مشابه نمایه زیر که مربوط به سال ۱۳۹۱ است را نیز منتشر کند و کارشناسان محترم مراکز آماری دولت که در انتشار آمارهای عجیب و غریب در این چند سال شهره جهانی شده‌اند، توضیح دهند حقوق بگیر بخت برگشته ای که بر سر منابع عظیم انرژی جهان (نفت، گاز و سایر منابع)، نشسته چگونه کسری این دخل و خرج خود را تامین نماید و آیا با چنین فقر فلاکت باری میتوان از نیروی کار بخواهیم، کارآئی و بهره‌وری کار را افزایش دهد!!

ضمناً جامعه کارگری چگونه باید به عزای سفره (معیشت) از دست رفته اش بنشیند! از طرف دیگر کمیته مزد شوراهای اسلامی کار استان تهران نیز در گزارشی شرح زیر که در نارنمای ایلنا درج شده، حداقل مزد یک خانوار چهارنفره را ۱۷۶۰۳۰۰۰ ریال اعلام نموده که با درصد‌های وزارت کار و نماینده خوش خیال کارفرمایان مغایرت معنی داری دارد.

روی این سخن بویژه با وزیر محترم کار که خود را از خانواده جامعه کارگری دانسته [...] می‌باشد. شترسواری دولا دولا مشکل زا می‌باشد یا تورم سال ۱۳۹۲ کمتر از ۲۵ درصد است که پس باید به عملکرد دولت آقای احمدی‌نژاد آفرین گفت چون این اقتصاد میراث اوست و با نرخ تورم کنترل‌شده بالای ۳۵ درصد است. پس باید نرخ مزد را اصلاح کنید. قرار شده بود دیگر به مردم و رای دهندگان دروغ نگوئیم، وعده کاذب ندهیم، حقوق انسانی و کارگری آنها را رعایت کنیم، باند مفاسد اقتصادی را افشاء کنیم و بگم بگم نکنیم. پس چه شد؟! اگر افزایش مزد اقتصاد کشور را زمینگیر می‌کند آیا بهتر نیست "بودجه جای و آبدارخانه" مراکزی چون مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۵۰ میلیارد تومان) را کاهش دهیم؟! و اگر اقتصاد با افزایش مزد زمینگیر می‌شود پیشنهاد می‌شود اساساً مزد را حذف و دوباره شعار سال ۱۳۵۹ را عملی کنیم. [...]

جالب است در حالی که با اجرای طرح پارانیه قدر مطلق افزایش قیمت سبد خانوار از ۵۰ درصد فزون‌تر شده و در حالی که قرار است بخش وسیعی از پارانیه نقدی هم حذف شود می‌گویند اگر مزد بیش از ۲۵ درصد بالا رود، اقتصاد کشور به فقهرا میرود، اما چنانچه سبد کالای مردم ۲۵۰ درصد بالا رود و مابه‌التفاوت این افزایش به جیب هر آنکس دیگر رود، اقتصاد از روی زمین به هوا می‌رود! رندی می‌گفت حالا معنی جمله "از افراد هر دو جناح در دولت استفاده کردم در فهمیدم چون سران هر دو جناح حساب و کتاب کارگری نمی‌دانند."

بررسی آمار سازمان بین‌المللی کار نشان میدهد که حداقل مزد سالانه در کشورهای لیبی (۴۲۸۶)، عمان (۱۰۲۶۳)، عربستان (۹۶۰)، ترکیه (۷۱۴۶) و ونزوئلا (۲۸۷۳) دلار آمریکا می‌باشد که این حداقل مزد نشان می‌دهد که بعضی از این کشورها اساساً فاقد توانمندی اقتصادی کشور ما هستند اما حداقل مزد در آن کشورها به مراتب بیش از ایران است. آیا این نشانه آن نمی‌باشد که وجوه مالی به جای آنکه به سرمایه انسانی تعلق گیرد به سرمایه و ثروت مال اندوزان اضافه شده؟!

به همین دلایل است که در حالیکه در این سالها سفره حقوق بگیران تهی شده، سفره سرمایه داران نه تنها کوچک نشده بلکه رنگین و مرتباً گسترش یافته است. دولتمردان باید توجه نمایند که امروز بحث برسر حداقل مزد نیست بلکه اساساً معیشت جامعه کار و تولید مورد تعرض قرار گرفته و گفته می‌شود بخشهایی از طبقه متوسط نیز به اقتضای تهیدست فرو غلطیده‌اند.

مضاف بر آنکه افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد، هیچگاه به سایر اقشار بالای حداقل مزد که آنان نیز طبق قانون کار، کارگر نامیده میشوند تعلق نمی‌گیرد و این یکی از آشکارترین فریب‌های نظام

شهروندان منجمله کارگران و حقوق بگیران نقض شده پس لازم است در جهت احقاق حقوق تصبیح شده آنان (و نه دل نگران بخشش بدهی بانکی بزرگ بدهکاران کشور و عوامل فساد و تورم)، نسبت به برقراری حداقلی که معیشت جامعه کار و تولید را تامین کند گام بردارد زیرا حداقل مزد حق جامعه کار و تولید کشور است و نه صدقه و بخشش.

دانشگاه تبریز در آستانه هفتاد سالگی

به گفته رئیس دانشگاه، کادر اداری و آموزشی آن انتخابی می‌شوند



معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز گفته است بر اساس نظر رییس دانشگاه تبریز و به موجب «ابین نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و موسسات

آموزش عالی، پژوهشی و فناوری» مصوب جلسه ۶۸۴ مورخ ۱۰/۱۲/۱۳۸۹ شورای انقلاب فرهنگی، دانشگاه تبریز در نظر دارد جهت مشارکت دادن نخبگان و اعضای هیات علمی در همه شئون اداره دانشگاه، روسای دانشکده‌ها و گروه‌ها را با آرای اعضای هیات علمی این دانشگاه انتخاب نماید. رییس دانشکده از میان افراد واجد شرایط و با توجه به برنامه‌های پیشنهادی، از میان کسانی که از نظر اعضای هیات علمی دانشکده مورد نظر، مقبولیت بالایی داشته و در عین حال واجد توانایی‌ها و سوابق مدیریتی در محیط‌های دانشگاهی بوده و توانایی برقراری ارتباط موثر با همکاران و دانشجویان را داشته باشند، انتخاب خواهند شد. برای برگزاری انتخابات، کمیته‌ای زیر نظر معاون آموزشی تشکیل و فرایند نظرخواهی برای تشخیص مقبولیت عضو هیات علمی و بررسی رزومه و سوابق در این کمیته انجام خواهد شد که پس از انتخابات، از بین دو نفر که حائز بیشترین رای شده‌اند، یک نفر توسط رئیس دانشگاه انتصاب می‌شود. به گفته آقای علمی داشتن حداقل رتبه علمی دانشجویی و حداقل ۵ سال سابقه خدمت در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و سن حداکثر ۶۵ سال را از جمله شرایط اختصاصی برای تصدی ریاست دانشکده‌ها می‌باشد. مدت ریاست دانشکده ۲ سال می‌باشد و این زمان حداکثر تا یک دوره دیگر قابل تمدید است. وی اظهار امیدواری کرد که با بکارگیری این دستورالعمل که حاصل بررسی دقیق روش‌های مورد استفاده برای این منظور در دانشگاه‌های پیشرو دنیا و تطبیق آن با الزامات قانونی، فرهنگی و اجتماعی کشور است گامی در جهت اعتلای ساختار مدیریت دانشگاه تبریز برداشته شده و الگویی برای تصمیم‌گیری‌های آکادمیک در ایران باشد. دانشگاه تبریز یکی از افتخارات حکومت یک ساله دولت خودمختار آذربایجان می‌باشد. ایده اولیه تأسیس دانشگاه تبریز یک سال پس از خاتمه جنگ جهانی دوم در زمان حکومت ملی آذربایجان و به دستور سید جعفر پیشه‌وری صدر فرقه دمکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ داده شد. در تاریخ خرداد ۱۳۲۶ در مدخل شرقی آن زمان تبریز، ساختمانی که قبلاً از او بعنوان زندان استفاده می‌کردند، دانشگاهی بنام «آذربایجان اونیورسیتیه‌سی» (دانشگاه آذربایجان) آغاز بکار کرد. پس از سرکوب حکومت خود مختار آذربایجان، توسط رژیم پهلوی با کمک آمریکا و انگلیس، دانشگاه تبریز نیز تعطیل شد. پس از چند ماه تعطیلی و پاک‌سازی نیروهای مترقی، دونفر بنام‌های "مصطفی حبیبی" و "خان بابا بیاتی" از تهران عازم تبریز شدند تا دانشگاه را راه اندازی کنند. دانشگاه تبریز در حال حاضر با بیش از ۱۸ هزار دانشجو و حدود ۵۰۰ نفر هیات علمی، ۲۰۰ آزمایشگاه تخصصی و عمومی که برخی از آنها در سطح جهان و خاورمیانه منحصر بفرد می‌باشند، یکی از پر افتخارترین دانشگاه‌های کشور می‌باشد. موزه تاریخ و فرهنگ، حوزه جانور شناسی، حوزه زمین شناسی مرکز پردازش تصاویر ماهواره و مراکز و مؤسسه‌های تحقیقاتی و پژوهشی، محیط آموزشی و دانشگاهی بزرگی را در سطح کشور فراهم آورده‌است.



مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن بخش چهارم

ارقام نتایج بدست آمده نشانگر آنست که حجم و قدرت و جذب اسیدهای هومیک در پروفیل خاکهای غیر فرسایش مراتع کوهستانی بین ۱۳۶- ۴۰۸ میلیگرم اکیوالان، خاکهای قهوه ای بین ۴۰۸- ۱۰۲۰ میلیگرم اکیوالان، خاکهای چرنوزیم ۵۴۴- ۱۱۵۶ میلیگرم اکیوالان و در خاکهای مناطق خشک بین ۸۱۶- ۹۵۲ میلیگرم اکیوالان میباشد.

در مقیاس با خاکهای غیر فرسایش در ترکیب اسیدهای هومین خاکهای با فرسایش متوسط گروههای کاربوسیل از ۷ تا ۵۴ میلی اکیوالان درصد گرم و گروه های فنول هیدروکسیل از ۶۹ تا ۴۴۶ میلی اکیوالان (درصد ماده خشک مطلق) تقلیل می یابد که بنوبه خود قدرت جذب اسیدهای هومینی را بشدت تضعیف می نماید.

در اینجا باید تذکر داد که CO₂ موجود در بیوسفر از مواد اولیه پروسه فوتوسنتز محسوب میشود لذا کمبود آن تقلیل تولید مواد آلی را در بر دارد.

تجسسات دراز مدت بمنظور شناسایی اسیدهای آمینه و ترکیب اسیدهای هومین انجام گرفت. اسیدهای آمینه در پروسه های بیوشیمیایی تشکیل هوموس خاک شرکت فعال می نمایند. معین گردیده که تا ۳۵- ۴۰ درصد ازت لایه سطحی تمام خاکهای زراعی را ترکیبات اسیدهای آمینه تشکیل می دهد که در حدود ۸- ۱۰ درصد آنها بصورت ترکیبات هنگروآمین می باشد. در خاکهای کوهستانی با خواص مختلف ژنتیکی با تحلیل های کروماتوگرافی در هیدرولیز آنها ۱۵ نوع اسید آمینه را معین می کنیم. اینها عبارتند از: لیزین، آرژنین، هیستیدین، اورنیتین، گلوتامیک، اسپارتیک، آلانین، گلیسرین، سرین، نرولین، والین، لیسین، چتین، پورین، پرومیدین، تروپتوفان، فنیل آلانین، این اسیدهای آمینه بازی، اسیدی و از گروه خنثی می باشند. معین گردیده که تعداد اسیدهای آمینه خاکهای مورد فرسایش متوسط، بمراتب کمتر از خاکهای غیر فرسایش است. در قشر بالای خاکهای بدون فرسایش مراتع کوهستانی تعداد اسیدهای آمینه ۱۰ نوع بوده در قشر ۱۱- ۲۴ سانتیمتری آنها ۷ و در قشر بالای خاکهای چرنوزیم کوهستانی تعداد اسیدهای آمینه ۱۲ و در خاکهای مورد فرسایش متوسط ۸ نوع می باشد. عین همین وضع را در خاکهای زراعی آزاد شده زیر جنگل مشاهده می کنیم. بدین ترتیب کمیت و کیفیت اسیدهای آمینه بر اثر فرسایش آسیب پذیر گردیده و تقلیل می یابد که پیامدهای آن مفهوم میباشد. این در واقع تقلیل مقدار ازت است.

نتیجه:

- ۱- فرسایش پارامتری اساسی حاصلخیزی خاک را تضعیف کرده، پروسه ها و فعالیت میکروبیولوژیک و آنزیمی را محدود می نماید.
- ۲- بر اثر فرسایش خاک مقدار و ذخیره هوموس کمتر شده، مواد هوموس، تحرک و خواص دیسپرس خود را از دست میدهد. قابلیت جذب اسیدهای هومین بمراتب تضعیف می گردد.
- ۳- فرسایش تحرک فرائکسیونهای اسیدهای هومین را محدود کرده سرعت پروسه هومیفیکاسیون را تضعیف می نماید.
- ۴- فرسایش سرعت تشکیل هوموس را تضعیف کرده طبیعت هوموس را تغییر می دهد.

در سه شماره قبلی روزنامه آذربایجان بخش هایی از پرسش و پاسخ پر اهمیت با دکتر پروفیسور بهروز شکوری به اطلاع شما رسید. شما را با قسمتی دیگر از این پرسش و پاسخ آشنا می کنیم:

سوال: فرسایش چه تأثیری در ترکیب هوموس خاک دارد؟ در این باره نظراتان را بفرمائید.

جواب: مسائل مربوط به هوموس خاک، ترکیب شیمیایی آن، منشأ مواد هوموس، نقش میکروارگانیسمها در تشکیل آن مورد تجسس وسیع قرار گرفته است، تجسسات تعیین ذخایر هوموس و ازت، ترکیب مواد آلی و شناسایی قانونمندی تشکیل هوموس، رل عوامل طبیعی و بهسازی خاک در سرنوشت آن را در بر می گیرد. دقت فرآیندها به پروبلم هوموس تصادفی نیست علت آن عبارت از آن است که درباره منشأ و طبیعت هوموس نظریات مختلفی و در بعضی موارد ضد و نقیص در محافل علمی موجود است. هوموس خاک محصول وحدت پروسه های ضد و نقیص طبیعی، زندگی، مرگ، سمبایوز، آنتی بیوز، مواد آلی در گیاه زنده، تجزیه آن از طرف میکروارگانیسمها بعد از مرگ گیاه و سنتز مواد هوموس است. تشکیل هوموس خاک در دو مرحله انجام می گیرد.

مرحله اول: تجزیه بقایای گیاهی و مواد آلی و تبدیل آنها به ترکیب های ساده.

مرحله دوم: سنتز مواد هوموس با ترکیب و طبیعت پیچیده و مقاوم.

هر دو مرحله تشکیل هوموس خاک، تجزیه بقایای گیاهی و سنتز مواد هوموس، نتیجه فعالیت آنزیمها و فعالیت آنزیمی میکروارگانیسم ها می باشد.

در تجسسات دراز مدت وضع هوموس خاکهای کوهستانی جمهوری آذربایجان و تأثیر فرسایش در پارامترهای آن شناسایی گردید. منطقه قفقاز بخصوص جمهوری آذربایجان مورد فرسایش شدید آبی قرار گرفته که در نتیجه بمقدار زیادی هوموس و مواد غذایی میکروالمانها از سطح فوقانی خاکها شسته شده و توان بازدهی آنها را تضعیف نموده است. معین گردیده که فرسایش تمام پارامترهای حاصلخیزی خاکها را تضعیف می نماید. از قشر ۰- ۳۰ سانتیمتر خاکهای مورد فرسایش بطور متوسط در حدود ۲- ۳ درصد هوموس، ۱/ ۰- ۲۹/ ۰ درصد ازت و بمقدار زیادی رطوبت ضایع می گردد. در خاکهای فرسایش یافته در فصل های مختلف در یک گرم خاک در حدود ۳۰۹۶- ۸۶۰۹ میلیون باکتری، آکتینومیسیتها و قارچ از بین می رود و فعالیت میکروبیولوژیکی خاکها به شدت تضعیف می گردد که بنوبه خود روند تجزیه مواد آلی در خاک و سنتز هوموس را تضعیف می نماید. تنفس خاک (خروج CO₂ از خاک) و فعالیت آنزیمی بشدت محدود می گردد.

خروج CO₂ از خاکهای در حدود ۱۱/۹- ۴۸/۰ میلی گرم در یک کیلو گرم در ساعت تقلیل می یابد. فعالیت آنزیم ها بخصوص آنزیم کاتالاز تا ۵۰ درصد محدود می گردد. تحلیل های ترکیب فرائکسیون هوموس خاکهای با خواص مختلف ژنتیکی نشان داد که پروفیل خاکهای مورد فرسایش مقدار فرائکسیونهای اسیدی هومین خاک، در حدود ۵- ۶ درصد تقلیل می یابد. فرسایش همچنین باعث ازدیاد بقایای هیدرولیز نشده هوموس می گردد. نسبت کربن اسیدهای هومیک به کربن اسیدهای فولویک به مراتب محدود تر می شود.

(۵/ ۰- ۰/۸) که دلالت بر تضعیف پروسه هومیفیکاسیون مینماید. تجسسات بمنظور تعیین گروههای فنوکسیل (گروههای کاربوسیل و فنول هیدروکسیل) اسیدهای هومین نشان داد که مواد هوموس دارای گروههای مخصوص OH-COOH می باشند. این گروه ها در مجموع قابلیت جذب اسیدهای هومین را معین می کند. فرسایش قدرت جذب اسیدهای هومین را تضعیف می نماید.

نیم نگاهی به درد اهل قلم

چشمان خیره ام نمی دانم چه خواند، فوراً کلامش را نیمه کاره گذاشته، رفت. آن ماشین های آخرین مدل رنگ و رنگ و زندگی آن چنانی ارزانی خودشان باد. او گمان می برد، برایش از عذابی که می کشم سخن خواهم گفت. در دل به عقل قاصرش خندیدیم. مرا کاری به کار او نیست بگذار با ماشین آخرین سیستم دنده اتوماتیکش ویراژ دهد.

یکی از اقوام خیلی از خود ممنون و راضی، گستاخی و وقاحت را به جایی رسانده، گفت: زندگی ات دوپایاسی نمی ارزد. مرد حسابی چی از کف دادی چه چیزی به دست آورده ای. آخه بابا مثلاً زندگی با مرام و عقیده هم شد زندگی؟ ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. از پروولتربازی توبه کن بیا پیش خودم در حجره. هنوز برایت دیر نشده به زن و بچه ات رحم کن. بر خلاف عادت که در این مواقع سکوت کرده صحبت را به جای دیگری می کشانم با تندگی گفتیم: حاج آقا به بچه های خودت دل سوزی کن. همه شان الافند و تحت رهنمود های حضرت عالی از زندگی جز عیاشی و الواطی چیزی بارشان نیست. ما را به خیر تو امیدی نیست شر مرسان. با خونسردی رویم را برگردانده از حضورش مرخص شدم.

چرا این ها را می نویسم؟ می خواهم حس ترحم کسی را جلب کنم؟ آه... از ما به دور باد. مگر جز این است خودمان آگاهانه این راه را برگزیده. گذر از سنگ لاج های صعب العبور را با همان همت و پشتکار پیشینیان خلف خود آغازیده ایم؟ پشیمانی و جا زدن که نهایتاً به جر زدن می رسد کار بزد لان سست اراده است. به نیکی می دانم هیچ پاداشی در کارمان نیست. شاید هم داغ و درفش در انتظارمان... البته نقداً این یکی نصیبمان شده است. از نوع روحی و روانی اش با فشار های جور و جور زندگی حتی برای لحظه ای بی نصیبمان نمی گذارند.

آزاد بودن، آزاد زیستن و آزادی خواستن... جان فشانی در راه این شعار زندگی ما سوای لذت مافوق تصویری که دارد وظیفه ای است انسانی. غرور و نیک بختی اش بر تحمل همه ی مشقات می چربد. خواهی انسان باشی مبارزه با ناملایمات و مقاومت باید در تو اصل باشد. آری حتی برای عرضه ی نوشته هایت که جوهرش با خونت رنگین شده، امکانی نیست. ولیکن جای نا امیدی نیست. با تلاش و خود را به این در و آن در زدن، آن هم مهیا خواهد شد. رهرو در ره باید رفتن مهم است. رسیدن نه... اصلاً نفس رفتن همان رسیدن است. باری در این راه حرف آخر آزادی خواهان عدالت طلب این است:

ایستاده ام چو شمع مترسان ز آتشم که عرض خود می بری و زحمت ما می داری.

صادق شکیب

از شرافت، حرمت و پاکی قلم سخن ها گفته اند. از برای وفاداری و تعهدش به درستی، صداقت و خدمت به مردم حدیث ها نقل کرده اند. چه جان های پاکی در این راه فدا گشته اند. وقتی به سختی راه می اندیشم به عیان در می یابم اراده و عزمی پولادین می خواهد. تحمل رنج و محنت خود و جوابگویی به اهل و عیال، تأمین هزینه ی خورد و خوراک و پوشاک و تحصیلشان، اندیشیدن به درد مردمان نوشتن از برای مردمان... آه بایستی طاقت آورد.

سخن گفتن از ((پایداری)) یک کلمه است. ولی از روی شرف برای نو خواهی و نو زیستی پنجه در پنجه ی مشکلات افکنند، در برابر مشقات سر فرود نیاوردن، صبور بودن، زخم تلخ کامی ها را تحمل کردن... بیان سختی همه ی این ها حقیقتاً در چارچوب کلمات نمی گنجد. زندگی اکنونی ما مصداق بارز آن مثل معروف است: گونه ی خود را با سیلی سرخ ننگه داشتن و هر روزه زخم خنجر چشیدن. دیرروز به فرزندم که پول برای ثبت نام در کلاس تقویتی میخواست چه دروغ ها که نگفتم تا قانعش نمایم لازم نیست. در خانه نیز می تواند همان درس ها را بدون معلم سر خانه بخواند. به گمانم دانست همه ی استدلالاتم برای آن است که جان مطلب را نگویم: نداری و بی پولی.

گرانی برنج، گوشت و سایر مواد خوراکی خرابی آسفالته پشت بام خانه و چکه ی آب. همه اش دو سالی نمی شود، خانه سفید کاری شده بود. جابجا لکه های زرد رنگ بر دیوار و سقف خانه... با دیدنش غم و غصه ی آدمی وصف ناپذیر است. پوسیدگی و ترکیدگی لوله های آب، از در و دیوار نم می بارد. غر غر مادر بچه ها اگر چاره ای نکنی بچه ها تلف می شوند و آبرویمان می رود.

سعی فوق العاده ای می کنم تا بچه هایم فشار روحی متحمل نشده، درد نداری را حس نکنند... آخه مگر شدنی است؟ به فیزی که از مدرسه به دست دخترم داده اند تا واریزش نمایم می نگرم. حساب این یکی را نکرده بودم. گویی دنیا بر سرم آوار می شود. گویند کچل خان خیلی خوشگل بود، زد بیماری تراخم و آبله هم گرفت. بفرما این هم قبض گاز و برق و هزار درد بی درمان دیگر...

تصمیم دارم دور از چشم بچه ها انگشتی یادگاری مادرم را بفروشم تا ببینم چه پیش آید... چند سالی است شلوار وصله دار می پوشم. تا با صرفه جویی لاقفل بچه هایم را نو نوارشان کنم. مدت هاست از خیر خرید هر چه کتاب، مجله و روز نامه گذشته ام. باز خدا پدر بعضی دوستان را بیامرزد از این بابت نمی گذارند کمبودی حس نمایم. مطالعه، حتی ساعتی هم، در روز باشد آرامش روحی می خواهد. که فعلاً ندارم. بالا تر از آن دست به قلم بردن، تمرکز حواس می طلبد، با این دغدغه ها مگر مقدور است؟

چندی قبل، از دوستان پر فیس و افاده ی دوران کودکی ام با دیدن سر و وضع در سر کار، خواست شمامتم کند: اگر از اول ((آن طرفی)) می رفتم حال و روزم این نبود. در نگاه

سندیکا و اتحادیه های مستقل، اعتصاب، تحصن و گردهمایی از حقوق مسلم و شناخته شده جهانی کارگران است.

مبارزه در راه تأمین حقوق زنان کارگر

بیرون می‌آیند و هیچ نظارتی بر آنها از لحاظ بیمه و ایمنی صورت نمی‌گیرد، طبیعی است! (البته این واقعه طبیعی نیست بلکه یک فاجعه انسانی است) که این حوادث رخ می‌دهد." در مقابل این معضلات انکارناپذیر باید دید که دست‌اندرکاران و مسئولین دولتی و اداری چه برنامه اقتصادی و سیاسی را برای حل این مشکلات در نظر دارند. شعارهایی که در ظاهر برای حمایت از کارگران داده می‌شود، وعده و وعده‌هایی که در جهت بهبود زندگی زنان کارگر ابراز می‌گردد، به هیچ وجه با تصویب و اجرای قوانین و لایحه که فقط به سود کارفرمایان داخلی و خارجی و تأمین منافع آنان انجام می‌گیرد، هماهنگی و همخوانی ندارند. اجرای خصوصی سازی‌های گسترده و فروش شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی از جمله سیاست‌هایی هستند که به معضل بیکاری و سقوط ارزش نیروی کار زنان دامن زده است. حذف یارانه‌ها، اجرای طرح "استاد- شاگردی"، خروج کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، قراردادهای موقت و سفید امضا، از دیگر سیاست‌هایی هستند که باعث افزایش فقر و سقوط سطح زندگی زنان کارگر شده است. ولی با تمام تبعیض جنسیتی و شغلی که بر سر راه زنان کارگر قرار داده شده است، آنان همچنان نقش پر رنگ و با اهمیتی را در جامعه ما ایفا می‌کنند؛ و با استناد به گذشته مبارزاتی زنان ایران و جهان، و با توجه به توان و ظرفیت بالای زنان زحمتکش در به چرخش در آوردن چرخ اقتصادی، می‌توان با قاطعیت گفت که زنان کارگر به دلیل مشاهده و لمس واقعیت‌های عینی و در عین حال سیاست‌های تبعیض آمیز و ناعادلانه، به صف مبارزه در راه تأمین حقوق صنفی و اجتماعی کشیده خواهند شد؛ و باید با استفاده از این توان و ظرفیت بسیار بالا برای ایجاد و احیای سندیکاهای مستقل تلاش و کوشش کرد. بنابر آمارهای رسمی، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران یکی از کمترین دستمزدها را نسبت به کارگران کشورهای دیگر دریافت می‌کنند؛ و زنان کارگر نیز یک پله پایین تر، جزو محروم‌ترین لایه‌های جامعه محسوب می‌شوند؛ و دقیقاً به خاطر همین بی عدالتی‌ها و محرومیت‌ها است که از آمادگی و توان لازم برای شرکت در امر دفاع از حقوق صنفی و مبارزه با سیاست‌های ضد کارگری و تبعیض آمیز را دارا هستند. احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل، همبستگی با دیگر زحمتکشان و مبارزه سازمان یافته تنها ضامن موثر برای تأمین حقوق کارگری است و بدون هیچ شک و شبهه‌ای زنان کارگر از عهده این امر مهم بر خواهند آمد.

حوادث و رخدادهای فاجعه بار ناشی از کار در محیط‌های ناامن و غیر استاندارد در کارگاه‌های تولیدی کوچک و ساختمانی، مانند مرگ دلخراش دو زن کارگر در خیابان جمهوری، که تا کنون منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از کارگران و زحمتکشان گردیده، گویا پایانی ندارد و از این روی ضرورت توجه به مبارزه و دفاع از حقوق زنان کارگر دارای اهمیت دو چندان است.

در رابطه با افزایش حوادث ناشی از کار، گزارش "محمود خدادوست"، رئیس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی به خبرگزاری رسمی دولت قابل تامل و بررسی است؛ او می‌گوید: "از دست دادن جان ۱۵۵۹ نفر کارگر در ۹ ماه گذشته امسال (۹۲) در مقایسه با مدت مشابه سال قبل (۹۱) که تعداد متوفین حوادث کار ۱۳۸۰ نفر بوده، ۱۳ درصد افزایش یافته است." او افزود: "از کل تلفات حوادث کار در این مدت (۹۲) ۱۵۳۹ نفر مرد و ۲۰ نفر زن بودند، این در حالیست که تعداد مردان فوت شده در حوادث کار در مدت مشابه سال قبل (۹۱) ۱۳۶۲ نفر و تعداد زنان ۱۸ نفر بوده است.

حضور و نقش زنان کارگر در فعالیت‌های مختلف اقتصادی که عمدتاً خود سرپرست و یا سرپرست خانواده هستند همواره با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای در راه تأمین حقوق صنفی و جنسیتی همراه بوده است. موضوع تأمین امنیت شغلی یکی از این چالش‌های روبروی زنان کارگر است. به هنگام اخراج و یا تعدیل نیروی انسانی، این زنان کارگر هستند که در صف مقدم اخراج‌ها قرار می‌گیرند.

آمارهای ارائه شده از سوی مراکز وابسته به جمهوری اسلامی خاطر نشان می‌سازد: "سرعت افزایش تعداد زنان شاغل با سرعت افزایش زنان متقاضی کار برابر نیست و زنان جامعه ما با مشکل بیکاری مواجه هستند".

ترس و نگرانی از اخراج و بیکاری طولانی مدت، که این خود موجب نابسامانی‌ها در زندگی زنان کارگر می‌شود، باعث کاهش دستمزد و تحمیل شرایط نامطلوب کاری از طرف صاحبان کارگاه‌ها گردیده که از امنیت قانونی هم برخوردار هستند.

چندی پیش یکی از مسئولان هیأت مدیره اتحادیه زنان کارگر وابسته به خانه کارگر اعتراف کرد: "برخی از کارفرماها از نیاز مالی کارگران زن سوء استفاده می‌کنند؛ برای نمونه، کارگران زن برای اینکه کارشان را از دست ندهند مجبور می‌شوند با حقوق کمتر کار کنند." او در مورد حادثه آتش سوزی خیابان جمهوری که موجب مرگ دو کارگر زن شده است گفت: "هنگامی که برخی کارگاه‌ها از شمول قانون کار

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری

کودکان کار و کودکان خیابانی

محصول رویه های موجود در ساختار اقتصاد سیاسی کشورهاست.

وی گفت: از این رو مایلیم تأکید کنم که مسأله کودکان کار و خیابانی فقط چیزی از جنس دلسوزی های انسانی برای گروهی حاشیه ای نیست، بلکه مستقیماً با اقتصاد سیاسی کشورها و عملکرد دولت ارتباط دارد. مسأله این کودکان را نباید در سطح سودجویی و رفتار غیرانسانی شماری از افراد برای بهره کشی از کودکان دانست و به این سطح تقلیل داد. کودکان کار و کودکان خیابانی محصول رویه های موجود در ساختار اقتصاد سیاسی کشورهاست.

به گفته ربیعی نقش جامعه در بهبود زندگی کودکان کار و خیابان نیز نباید فراموش شود. جامعه مدرن می تواند دارای انبوهی از سازمان های مردم نهاد، خیریه ها و گروه های داوطلبی باشد که مایل اند برای مقاصد انسان دوستانه، با هزینه و کارایی بسیار بیشتر از سازمان های حمایتی دولت اقداماتی مؤثر برای بهبود زندگی کودکان انجام دهند. ما وظیفه داریم از طریق قانون گذاری، برنامه ریزی برای تأثیرگذاری مؤثر رسانه ها بر افکار و عزم عمومی، و ارائه آموزش های کارآمد، جامعه مدنی را برای مشارکت مؤثر در بهبود وضعیت کودکان کار و کودکان خیابانی بسیج کنیم.

وی گفت: امروز در دورانی به سر می بریم که نگاه های گذشته به کودکان خیابانی اصلاح شده و تغییر کرده اند. این کودکان را زمانی تهدید و آسیبی برای جامعه می انگاشتند و لاجرم راه کنترل کردن ایشان در پیش گرفته می شد. زمانی دیگر ایشان را قربانیان فرایندهای اجتماعی می دانستند، و امروز آن ها را دارای حقوق شهروندی می انگاریم.

وی گفت: اگر این کودکان دارای حقوق شهروندی دانسته شوند، رفع آسیب از ایشان و حمایت اجتماعی برای زدودن آثار قربانی بودن از چهره زندگی ایشان، ضرورتی اجتناب ناپذیر می شود، اما جامعه و دولت مسئولیت های بزرگ تری نیز در قبال ایشان پیدا می کنند. دولت تدبیر و امید که بر تحقق حقوق شهروندی تأکید دارد، حقوق شهروندی این کودکان را در اولویت می داند.

ربیعی گفت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در همین راستا پس از تشکیل شورای ساماندهی کودکان خیابانی پس از ۸ سال وقفه، تشکیل اتاق فکر کودکان کار و خیابان را با حضور نمایندگان سمن ها و صاحب نظران دانشگاهی در دستور کار خود قرار داده است تا زمینه گفت و گوی اجتماعی برای سیاست گذاری در این حوزه را فراهم کند.

وی گفت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، رویکرد «گفت و گوی اجتماعی» را ضرورتی برای ایران امروز و در موضوع خاص کودکان خیابانی می داند. به مشارکت همه شرکای اجتماعی، از جمله متخصصان، سمن ها، سازمان های دولتی، خانواده های دارای کودکان کار، مددکاران، نیروی انتظامی و همه دیگرانی که مسئولیتی در قبال کودکان کار و کودکان خیابانی دارند نیازمندیم، تا عمق مسائل ایشان را بشناسیم، از انواع کودکان خیابانی و کار مطلع شویم، و بسیج عمومی برای کاستن از مشکلات و رنج ایشان و حرکت به سمت بهبود ساختاری وضعیت آن ها را ساماندهی کنیم.

در ادامه پیام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی آمده است: نیروی انگیزه های برآمده از رویکرد اسلام بر عدالت اجتماعی، توجه ویژه رهبر معظم انقلاب به مسأله کودکان و نوجوانان و عزم دولت تدبیر و رئیس جمهور محترم برای تأمین رشد و پیشرفت کودکان می تواند پشتوانه ما برای حل ساختاری مسائل مرتبط با کودکان باشد.

ربیعی ابراز امیدواری کرد این همایش و سایر اقدامات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به صورتبندی دستورالعملی بر مبنای رویکرد ساختاری و کلان به پدیده کودکان کار و کودکان خیابانی، کمک کند، و گامی اولیه به سوی شکل دادن به گفت و گوی اجتماعی گسترده برای بسیج ملی در جهت حل این مسأله باشد.

مشکل کودکان خیابان و کودکان کار، بدون توجه به الگوهای توسعه کشورها قابل حل نیست. نوع نگاه کلان به مقوله توسعه و نقشی که برای نتایج غیراقتصادی توسعه قائل می شویم، بر سرنوشت کودکان کار و خیابان تأثیر اساسی دارد. به علاوه بدون تعریف نقش دولت در جریان توسعه، و لحاظ کردن تأثیرات ناشی از تعامل دولت ها در روابط بین المللی نمی توان به بهبود وضعیت کودکان کار و خیابانی امید داشت.

یکشنبه چهارم اسفند ماه، همایشی با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی، مرکز مطالعات ناجا، انجمن علمی رفاه اجتماعی ایران، انجمن علمی مددکاری اجتماعی، ستاد سازماندهی سازمانهای مردم نهاد شورای اسلامی شهر تهران و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سمینار کودکان خیابانی در دانشگاه علوم بهزیستی برگزار شد. در این نشست سخنرانان به گوشه هایی از فجایعی که بر کودکان کار و خیابانی کشورمان می رود، اشاره کردند. اما شرکت کنندگان در این همایش نتوانستند برای یکی از بزرگترین مشکلات جامعه ما راه حلی ارائه دهند. به گفته اینلنا یکی از شرکت کنندگان در این همایش علی ربیعی بود.

وزیرتعاون، کار و رفاه اجتماعی در پیامی نظر خود را نسبت به کودکان کار و خیابانی چنین ارائه داد: این واقعیت که امروز نگران پیرشدگی جمعیت و آسیب های ناشی از آن هستیم و سیاست های جمعیتی، افزایش باروری و رشد بیشتر جمعیت را هدف قرار داده اند، به ما یادآور می شود که همراه با در نظر داشتن سرمایه جمعیتی آینده، به سرمایه های امروز جمعیت توجه خاص داشته باشیم.

وی خاطر نشان کرد کودکان و نوجوانان سرمایه های انسانی امروز هستند و رشد و شکوفایی آن ها باید در اولویت باشد. اما متأسفانه شاهد کودکان و نوجوانانی هستیم که به جای آموختن و اندوختن دانش و مهارت در مدرسه، زندگی، خواب، و مکان امرار معاش آنها در خیابان است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: بر این باورم که مشکل کودکان خیابان و کودکان کار، بدون توجه به الگوهای توسعه کشورها قابل حل نیست. نوع نگاه کلان به مقوله توسعه و نقشی که برای نتایج غیراقتصادی توسعه قائل می شویم، بر سرنوشت کودکان کار و خیابان تأثیر اساسی دارد. به علاوه بدون تعریف نقش دولت در جریان توسعه، و لحاظ کردن تأثیرات ناشی از تعامل دولت ها در روابط بین المللی نمی توان به بهبود وضعیت کودکان کار و خیابانی امید داشت.

به گفته ربیعی دولت ها تا زمانی که شهامت ایجاد تغییرات مؤثر در ساختار توزیع منافع و منابع را نداشته باشند، و از این مسیر راهی به سوی تنها راه واقعاً مطمئن برای کاهش فقر – یعنی ایجاد یک شغل برای هر شهروند بالغ – نگشایند، قادر به انجام اقدامات مؤثر برای کودکان کار و خیابانی نخواهند بود. سرنوشت کودکان کار به سرنوشت اقدامات دولت ها برای بهبود کیفیت زندگی بزرگسالان بستگی تام دارد. وی معتقد است اشتراک دانش میان کشورهایی که با این پدیده رویه رو هستند می تواند گامی رو به جلو باشد.

در ادامه پیام ربیعی آمده است: سیاست های دولت و شهرداری ها که بر پیدایش سکونتگاه های غیررسمی، کار غیررسمی، و شکاف طبقاتی مؤثرند، زمینه های مستعد برای پیدایش و افزون شدن تعداد کودکان کار و کودکان خیابانی ایجاد می کند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: ظرفیت دولت ها برای رسمی و شفاف کردن فعالیت های همه بخش های اقتصادی، و توانمندی ایشان در اعمال نظام های بازتوزیعی به نحوی که نظام های بیمه ای و تأمین اجتماعی فراگیر شوند، و بازتوزیع های مالیاتی مانع از شکاف طبقاتی شوند، به شدت بر سرنوشت کودکان کار و خیابان مؤثر است.

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

روسیه سد یکه تازی اروپا و آمریکا در " اوکراین " !

محدود کردن فعالیت پلیس در مقابل اشغالگران و اغتشاگران مسلح به اسلحه گرم و چماقهای آهنین و چوبی همراه کوکتل مولو تف بنظر رسید عمدی در کار است و یا زیر تبلیغات جادویی غرب قرار گرفته اند. اگر آمریکا و اروپا در اعتراضات وال استریت شبانه با پلیس ضد شورش چا درها را جمع نمود و دسته دسته گروه ها را با دسبند به ماشین های مخصوص کشید و طبق قوانین ایا لات متحده آمریکا و اروپا به افرادی که مرتکب سازمان دهی تخریب بودند تا حدود ۱۰ سال به حبس محکوم کرد. در اوکراین تقاضای آزادی برای مخربین و مجرمین دادند و پس از آزادی در سفارت آمریکا در آلمان بانوی فساد مالی یولیا تموشنکو مجسمه طلا دریافت کرد.

اعتراضاتی که به بیش از سه ماه توسط تعدادی از جوانان در میدان استقلال کیف طول کشید و با خسارات مالی و تلفات جانی همراه بود. بیش از ۱۰۰ کشته و صدها زخمی بجای گذاشت. کمتر از یک درصد از کل جمعیت رادر برداشت. گروه های بسیاری از اتحادیه های روشنفکری و کارگری در میدان شرکت نداشتند. گروه نئو فاشیستی با ریشه بانرا با آتش بازی و در اولین قدمهای سرنگونی مجسمه لنین و تخریب بنای یاد بود سربازان ارتش سرخ و ترور در میدان توسط اجیران تک تیر انداز و اشغال اماکن دولتی و اداری و پاسگاه پلیس و مصادره اسلحه ها و گروگانگیری پلیس و تهدید مقامات دولتی به استعفاء انجام گرفت. با زیر پا گذاشتن تمام موازین دمکراسی با، بازیهای فریبانه " دیپلماسی " علیه رئیس جمهور برای بنام حل بحران تدارک کودتا را فراهم کردند. دولت قانونی که با رای اکثریت مردم در انتخابات ۲۰۱۰ بر راستگرایان برتری جست و تا سال ۲۰۱۵ قانونی بود. از لحاظ ماهیت طبقاتی فرق چندان اساسی با الیگارشسی طرف داران غربی نداشت حتی مدت مدیدی علاقه خود را بغرب نشان داده بود اما در آخرین لحظه محاصبات اقتصادی به اتحادیه اروپا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی ناتو پیوست علت کودتای طرفداران غرب را باید در این سرکشی و امتناع از امضاء جستجو کرد. و سر انجام راست ترین نظریه پردازان بورژوازی کودتا را انقلاب نام گذاری کردند و حتی در این میان " چپ " و راست ایرانی هم به حمایت از این خط فکری به تبلیغ پرداختند. روسیه را هم وزن غرب قرار دادند و همچون. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا: اقدام ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه را در استقرار نیروهای نظامی در اوکراین با هدف حفاظت از شهروندان روس مانند اقدامات هیلتر برای حفاظت از آلمانهای مقیم خارج نامید.

غرب و آمریکا پس از شکستن دیوار برلین گسترش رایش چهارم را در سر می پروراندند و بدنبال شکستن دیوار دیگری در اوکراین هستند. کشورهای اروپایی

کودتای اوکراین با نطفه امتناع از پیوستن به اتحادیه اروپا بسته شد. رئیس جمهور اوکراین یا نو کوویچ در آخرین لحظه در نشست بروکسل بر اساس محاسبات اقتصادی بسمت همکاری با روسیه رفت. باید اضافه نمود حزب کمونیست اوکراین تحقیقاتی را که توسط اقتصاد دانان و آکادمیسین اوکراینی صورت گرفته بود بارها به رئیس جمهور توصیه نمود. به عدم امضاء قرار داد بروکسل انجامید و الیگارشسی طرفدار غرب را سخت عصبانی نمود. و نبرد سختی میان دو جناح از یک طبقه بهره کش الیگارشسی بورژوازی در گرفت. الیگارشسی طرفدار غرب که پس از فروپاشی شوروی و شرکت آنها در اغتشاشات " میدانی " و انتخاباتی بنام " انقلاب نارنجی " تجربه اندوخته بود. با سازمان یافته ترین نیروهای ناسیونالیست و راست گرای افراطی به میدان آمد. دولتمداران آمریکا و اروپا با حمایت آشکار مالی و تبلیغاتی که هزینه روزانه اغتشاش آنها در میدان کیف ۸۰۰ هزار یوردر روز برآورد گردید و بودجه ۵ میلیارد دلاری که گویا تحت عنوان گسترش دمکراسی در اوکراین در نظر گرفته شده بود، نیروهای سازمان یافته و رزمنده راستگرای افراطی را که در آغاز با تظاهرات مسالمت آمیز وارد میدان شده بودند به جنگ خیابانی کشاند. و غرب آتش بیاریین معرکه گردید.

الیگارشسی یانوکوویچ در مقابل الیگارشسی طرفدار غرب تا آخرین لحظات به مماشات و سیاست دوگانه دست زد. مسئله رفتار دوم که توسط حزب کمونیست اوکراین از ماه ها قبل با امضاء ۳.۵ میلیون نفر به تائید رسیده بود، توسط رئیس جمهور رد گردید.

رئیس جمهور گام به گام در مقابل خواسته های راستگرایان عقب نشینی نموده تا جائی که گویا دو جناح به توافقاتی، رسیدند اما راستگرایان قرار داد توافق را عملی نساخته و " میدان " را ترک نمودند و به ادامه تخریب و اشغال مکانهای دولتی پرداختند. و در جو فاشیستی دفا تر حزب کمونیست و حزب مناطق یانوکوویچ رافاشیستها در مرکز اشغال و تخریب نمودند.

جنگ روانی تبلیغاتی رسانه های غربی، با بزرگ نمایی و دورغ پراکنی در سطح جهان از رخ دادهای اوکراین بوجود آوردند. و اگر از طرف دیگر بنگریم، ضعف تبلیغاتی رسانه های بیطرف مشغول بودن روسیه در المپیک جهانی ۲۰۱۴ توجه و صرف نیروی عظیمی که روسیه برای عملیات ضد تخریبی آمریکائی بکار برده بود، باعث گردید که راستگرایان با استفاده از این موقعیت مناسب مسئولان اروپائی و آمریکائی بایکدگر ملاقاتهای پی در پی در این مورد نمایند. و شرکت مستقیم آنها در میدان و مذاکره با مخالفین ایجاد جو ترور توسط تیر اندازان حرفه ایی و آموزش دیده توسط ماموران ویژه پرورش یافته که بعدها در رسانه ها بشکل وسیعی افشاء گردید.

روسیه سد یکه تازی اروپا...

وامریکا خود در بحران اقتصادی بسر می برند و برای رفع بحران این بار به اوکراین چنگ انداخته اند در ضمن اینکه تجاوز و تحریک به کشورهای دیگر را فراموش نکرده اند. تهدید آمریکا و ۸ کشور اروپائی برای تحریم روسیه، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران، اگر به جنگ سرد جدیدی با روسیه به انجامد، آمریکا بازنده خواهد بود. استراتژی تلاش نیروهای صلح دوست جهانی مهار جنگ طلبی امپریالیسم آمریکا است.

روسیه پس از دیپلماسی موفق در جلوگیری از یکه تازی آمریکا در راه اندازی جنگ و تجاوز به سوریه و پس از گذراندن بازیهای موفقیت آمیز المپیک و حفظ امنیت و گذران موج بمب گذاری در مسکو و سپس ولگاگراد که در المپیک نیز احتمال تخریب پیش بینی می شد. روسیه رابر آن میداشت که در موضع دفاع برآید، و همچنین در مورد حریم کشوری خود در اوکراین مصمم است. و بزبان دیگر ".... اکنون در چرخه ویرانگر رودررویی میان قدرت های «ناتو»- که می کوشند فدراسیون روسیه را محاصره کنند- و دولت روسیه- که در برابر زوال اقتدار و نفوذش بر منطقه ای که به طور سنتی در کنترلش بوده است مقاومت می کند- نقل از نامه مردم شماره 941 حزب توده ایران 25 فوریه 2014

نظریه پردازان روسی به خوبی آگاه اند. عقب نشینی و امتیاز دادن به امپریالیسم در قبال اوکراین فاجعه ای است جبران نا پذیر تقویت تک قطبی و یکه تازی و تجاوز آشکار آمریکا به حقوق دیگر خلقها است. و باید گفت که پوتین، بلتسین مست نیست. و الیگارش پوتین بخوبی میداند که با صدور زور و پیاده کردن نیروی های طالبانی و فاشیستی و ترور نا امنی نمی توان سرمایه را به جریان انداخت سرمایه نیاز به آرامش دارد. فقط از مغز بیمار جناحهای جنگ طلب قرن گذشته جنگ جهانی اول و دوم ویتنام، عراق و افغانستان و.... چنین افکاری پرورش می یابد. میتوان گفت که در میان نیروهای مترقی ضد جنگ حزب کمونیست روسیه وجود دارد که یکی از بزرگترین تاثیر گذاران در راه صلح جهانی است.

فراخوان ده ها حزب کارگری و کمونیستی و بیانیه های جدا گانه احزاب و سازمانهای سیاسی از جمله حزب توده ایران و تحلیل محققان و کارشناسان و متخصصان استراتژیک نظامی بی طرف در ارتباط با اوضاع اوکراین تاکیدی در راستای گسترش نرمهای ضد دمکراتیک و کودتای خزنده با دخالت آشکار اروپا و آمریکا در اوکراین است.

پیروان موضع نه روسی نه غربی همچون آقای: خالد الحروب که در " الحیات" نوشت: در فاصله بین «امپریالیسم آمریکا» و «امپریالیسم روسیه» باید کجا ایستاد؟ بهترین پاسخ این است: مستقل و با فاصله گرفتن از هر دو امپریالیسم! تحلیل گر می نویسد:

"در برابر امپریالیسم آمریکا، می شد از مرجعیت ارزش ها مانند گسترش دموکراسی و آزادی سود برد و در برابر سیاست های آمریکائی ایستاد اما در برابر امپریالیسم شوروی یا چین یا روسیه دوران پوتین هیچ مرجعیتی وجود ندارد تا بتوان بر آن توافق کرد. از این رو چنین امپریالیسمی ابعاد مخوفی به خود می گیرد زیرا خالی از ایدئولوژی و به شدت قوم گراست که يك رهبر با گرایش های شووینیستی آن را به پیش می برد....."

روسیه امروز، یعنی روسیه دوران پوتین گرفتار همان قومیت گرایی جنون آمیز است که می خواهد گذشته های افتخار آمیز خود را احیا کند. برای همین است که پوتین شعار «روسیه برتر از همه» را سر می دهد و معتقد است تمام سیاست های داخلی و خارجی کشور را باید بر این اصل بنا کرد، قیصر کرملین می خواهد دوران شکوه گذشته را بازسازی کند از این رو بر اراضی متعلق به نژاد اسلاو انگشت می گذارد و جمهوری های سابق را می خواهد مطیع خود سازد..

هرکس طرفدار این نوع شووینیسم است باید تکلیف خود را روشن کند. روسیه کشور بزرگ و ثروتمندی است که نیازی به این گونه تفکرات خطرناک ندارد. قومیت گرایی شووینیستی الگوی مناسبی برای پیروی از آن نیست زیرا ابتدا خود را قربانی می سازد و بعد دیگران را. این درسی است که تاکنون بارها تاریخ آن را تکرار کرده است. منبع: الحیات ترجمه شفا فدراسیون آنارشیست ها هم چنین میگوید:

آنارشیستهای انترناسیونالیست با فراموشی عمدی تضاد اصلی صحنه نبرد که مقابله با تجاوزگری جهانی قدرت های بزرگ سرمایه داری غرب و آمریکا در رویدادهای اوکراین است بیاد سرمایه داری روسیه افتاده اند. وبا شعار

"جنگ علیه جنگ، یک قطره خون برای ملتشان نباید داد" وارد کارزار تبلیغاتی گردیده اند. در این بیانیه می نویسند که:

"سرمایه داری روسی می خواهد اقتدار را به دولت اکرائین بازگرداند تا بتواند مقاصد توسعه طلبانه ی درازمدت خود را در کریمه و شرق اکرائین عملی نماید چرا که در آن جا دارای منافع اقتصادی، مالی و سیاسی فراوانی است.

رژیم روسیه که در آستانه ی بحران اقتصادی دیگری است می خواهد با دمیدن بر آتش ملی گرایی روسی افکار عمومی را از مسائل اجتماعی - سیاسی که در فقر، دستمزدها و حقوق بازنشستگی پایین تبلور می یابد، منحرف کند. وضعیت تأمین اجتماعی، آموزش و خدمات اجتماعی در روسیه وخامت بار است. روسیه بار دیگر بر شیپور ملی گرایی می دمد تا بتواند حکومت مستبد خود را بر پایه های محافظه کارانه، ارتجاعی و سرکوبگر بازسازی کند.

بحران شدید اقتصادی و سیاسی در اکرائین به کشمکش

روسیه سد یکه تازی اروپا...

بین دسته های الیگارشلی «کهن» و «نوین» دامن زد. الیگارشلی کهن توانست با استفاده از نیروهای شبه نظامی راست و ملی گرای افراطی ضربه ای در کیف وارد آورد. نخبگان سیاسی کریمه و شرق اوکراین قصد ندارند قدرت و مالکیت را با کیف تقسیم کنند و دست به دامن دولت روسیه شده اند. هر دو طرف به ترتیب به ملی گرایی غلیظ اکرائینی و روسی متوسل شده اند. درگیری های مسلحانه و خون ریزی ها آغاز شده اند. قدرت های غربی نیز از منافع خود دفاع می کنند و اهداف و دخالت هایشان می تواند به نزاعی فراوید که آتش جنگ جهانی سوم را روشن کند.

قدرت های دو سوی نزاع مانند گذشته از ما مردم عادی، دستمزدگیران، بیکاران، دانشجویان، بازنشستگان و ... خواهند خواست که برای منافعشان بجنگیم. این قدرت ها دوباره می خواهند ما را با لالایی های ملی گرایانه بخوابانند تا روبه روی یکدیگر قرار بگیریم. «ملت» های ایشان ربطی به ما ندارند. نفع ما جای دیگری است: ما باید چگونه در نظم ظالمانه و سرکوبگرانه ای که این قدرت ها تحمیل کرده اند ادامه ی حیات دهیم؟

ما دیگر با لالایی های ملی گرایانه به خواب نخواهیم نرفت. دولت ها و پرچم ها و «ملت» های ایشان را به دیار عدم بفرستیم. جنگ ایشان جنگ ما نیست. ما با خونمان کاخ هایشان، حساب های بانکیشان و صندلی های اتور تیه اشان را آبیاری نخواهیم کرد. اگر آقایان می خواهند در مسکو، کیف، لویو، خارکف، دونتسک و سیمفروپول جنگ راه بیاندازند، یگانه راه چاره ی ما مقاومت علیه جنگشان با هر وسیله ای است kras - و این هم نظریه گروه های واحد روس انجمن بین المللی زحمتکشان انترناسیونالیست های اکرائین، روسیه، مولداوی، اسرائیل، لیتوانی، رومانی و لهستان فدراسیون آنارشویست مولداوی فدراسیون سوسیالیست های انقلابی (اکرائین) فدراسیون آنارشویست فرانسیسی زبان (فرانسه، بلژیک، سوئیس) انترناسیونال فدراسیون های آنارشویست

اخبار روز: سه شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ ... آنارشویستها از همان روزهای نخست اوجگیری بحران در اوکراین، همصدا و دوشادوش نیروهای راست افراطی در ساقط کردن دولت آن کشوریای نقش کردند، هنگامی که با دخالت روسیه امکان کنترل فراهم شد و نقشه کشورهای امپریالیستی با مشکل مواجه گردید. این سرخهای بیشتر از سرخ " فریاد صلح " سر داده اند؟ مدافع مردم فقیر اوکراین شدند گویا حزب کمونیست اوکراین هم در سازش با الیگارشلی روس نشست؟ جالب این جاست که لبه تیز این فراخوان بر علیه روسیه است و نه " مداخله گران" دیگر. و حال آنکه پیتر و سمینکودر نامه سرگشاده خود چنین موضوع را مطرح مینماید:

نامه سرگشاده پیتر و سمینکو رهبر حزب کمونیست اوکراین :

غرب علناً و به طور مصمم در مسائل داخلی کشور ما دخالت کرد، و اقدامات نیروهای راست را که تغییر جدی در وضعیت ژئوپولیتیکی اروپا و جهان و مخالف همبستگی روحی، فرهنگی و اقتصادی صدها ساله خلق های اوکرائین با روسیه و دیگر خلق های برادر اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند، را مورد پشتیبانی قرارداد. اوکرائین تحت قیمومیت ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو، صندوق بین المللی پول و کنسرنهای فراملیتی قرار خواهد گرفت.

اقدامات رادیکالهای راست علیه یانوکوویچ نیروهای نئونازی و میراث ایدئولوژیکی متجاوزین نازی را از نو حیات بخشید. این اقدامات توسط موج هیستری ضد کمونیستی خطرناکی همراهی می شود. یادگارهای ملی، مجسمه های لنین و قهرمانان جنگ بزرگ میهنی ویران می گردد، اوباش و مزدوران به موسسات حزب ما در کیف و سایر شهرها حمله می برند و علیه کمونیست ها ترور فیزیکی و اخلاقی اعمال می دارند و خواستار ممنوع کردن فعالیت های حزب کمونیست در اوکرائین می شوند.

تمام این شواهد نشان می دهد که نیروهایی که قدرت را به دست گرفته اند، می توانند در جهت سرکوب نه تنها کنشگران و کادریهای حزبی، بلکه همین طور علیه کمونیست های ساده دست به انجام اقدامات غیرقانونی بزنند. "

بیانیه های ده ها حزب کارگری و کمونیستی جهان در رابطه با دخالت اروپا و آمریکا در اوکراین:

"امریکا و اتحادیه اروپا را در رابطه با دخالت رسوای آن ها در مسائل داخلی اکرایین ، در رابطه با حمایت مستقیمی که برای گروه های مسلح فاشیست فراهم کردند و فراهم می کنند ، در رابطه با حمایت توسعه طلبی تاریخی علیه پی آمد جنگ جهانی دوم ، در رابطه با تبدیل سیاست کمونیست سنیزی به سیاست رسمی خود و نیز بزک کردن گروه های فاشیست ، ایدئولوژی و فعالیت جنایتکارانه آن ها ، ترویج تفرقه مردم اکرایین با تعقیب برنامه ریزی شده به زیان اکرایینی های روس زبان را محکوم می کنند .

تاکید می کنند که موضع نیروهای اپورتونیست که این توهم را که "اتحادیه اروپای" بهتر دیگری ، موافقت نامه همکاری بهتر دیگری بین اتحادیه اروپا و اکرایین می تواند وجود داشته باشد می پراکنند خطرناک است. اتحادیه اروپا مانند هر اتحادیه سرمایه داری بین کشوری اتحادی غارتگر است که منشی عمیقاً ارتجاعی دارد و نمی تواند به طرف دار مردم تبدیل شود ، و علیه حقوق زحمتکش ها و خلق ها عمل می کند و عمل خواهد کرد . یادآوری می کنند که تحول ها در اکرایین به دخالت های اتحادیه اروپا و آمریکا متصل هستند ، پی آمد رقابت سبعانه این قدرت ها با روسیه برای کنترل بازار ها ، مواد اولیه و شبکه های حمل و نقل کشور هستند. "

ادامه درص ۱۲

روسیه سد یکه تازی اروپا...

در آن دفاع کند ، حق دارد به تعیین سرنوشت خود دست بزند و این امر در تضاد زیادی با آن موازین و حقوق فوق الذکر قرار نمی گیرد. همانا در چنین موردی مطابق با اسناد حقوقی سازمان ملل ملتها از حق تعیین سرنوشت خود تا استقلال کامل برخوردار می شوند.

اما اگر همه چیز چنین است، پس چرا آنچه برای کوزوو خوب است برای کریمه بد می شود؟ پاسخ آشکار و روشن است: غرب همیشه از استانداردها دوگانه استفاده می کند. مقامات اوکراین با نقض تمام موافقت های دو جانبه شهروندان فدراسیون روسیه را به خاک اوکراین راه نمی دهند و عملاً مانع از همکاری مرزی بین دو کشور شده اند.

اما سیاستمداران غربی ، مدافعان حقوق بشر و رسانه های گروهی و مطبوعات ترجیح می دهند سکوت اختیار کنند. وزارت امور خارجه روسیه می پرسد: پس دمکراسی که دائم در باره آن حرف می زنند کجاست؟

مصاحبه و ندیویی گنادی زوگائف صدر بزرگتری حزب کمونیست و نماینده فراکسیون دومای دولتی روسیه :

ما باید برای حفظ امنیت کریمه و نظم در غرب اوکراین تلاش خود را بنمائیم. گنادی زیوگائف حمایت خود را در باره رجوع “ولادیمیر پوتین” برای استفاده از نیروهای مسلح جهت حفظ آرامش در اوکراین اعلان نمود.

وی چنین اشاره نمود که اوکراین دارای ۵ نیروگاه هسته ای و ۳۰۰۰ صنایع تولیدی خطرناک می باشد. و این در زمانی است که باند “پیت لیو روی” و “ماخ نو” کسانی که در حال حاضر در تلاش از بین بردن زبان مادری مناطق مختلف اوکراین میباشند. و در خیابانها در گردش و بوجود آوردن هرج و مرج میباشند. ما نگران پیچیدگی و عمیق تر شدن اوضاع اوکراین هستیم. کریمه برای ماجای مقدس به حساب می آید حتی پدر من جز کسانی بود که اولین بار در دفاع از “اودسا و سواستوپول” در جنگ جهانی دوم شرکت و در انتها سواستوپول شدیداً زخمی و کشته شد. من هر سال به کریمه مسافرت میکنم و با نثار گل به این مکان مقدس به قهرمانان جنگی سر تعظیم فرود میآورم. ما باید با تمام وجود تلاش نمائیم که در کریمه امنیت و نظم برای شهروندان حاکم گردد. اتفاقات در شهر کیف قهرمان که علیه مردم و مادران روس ما افتاده است بی گمان زیر سرکردگی نیروهای ویژه ایالات متحده آمریکا و دیپلماتهای غربی دسیسه چینی شده است. نقص و زیر پا گذاشتن موازین انسانی و حقوقی که قبلاً مورد توافق طرفین بوده است و هم اکنون در کریمه بمنظور بدست گرفتن حاکمیت دست به بهم زدن نظم منطقه خود مختار هستند، باعث میگردد که ما کاملاً اوضاع را درک نموده و با سادگی از کنار این موضوع نه گذشته و به حرکت لازم دست زنیم.

توضیح سازمانهای مترقی دیگر : تحولات خشونت بار

ادامه درص ۱۳

حزب کمونیست آلبانی ، تریبون دموکراتیک ترقی خواه بحرین ، حزب کارگران بلژیک ، حزب کمونیست کانادا ، حزب کمونیست در دانمارک ، حزب کمونیست متحد کرجستان ، حزب کمونیست متحد کرجستان ، حزب کمونیست یونان ، حزب کمونیست اردن ، حزب کمونیست مکزیک ، حزب کمونیست نروژ ، حزب کمونیست لهستان ، حزب کمونیست پرتغال ، حزب کمونیست فدراسیون روسیه ، حزب کارگران کمونیست روسیه ، حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی ، حزب کمونیست نوین یوگسلاوی ، حزب کمونیست سوئد ، حزب کمونیست ترکیه ، اتحادیه کمونیست های اکراییین ، حزب کارگر استرالیا ، قطب احیا کمونیستی در فرانسه با اضافه احزاب کشورهای شوروی سابق بلاروس ، تاجیکستان و..... و بیانیه های جداگانه احزاب دیگر حزب توده ایران و حزب کمونیست بریتانیا و.....

تعداد زیادی از سیاستمداران غرب بر این نکته تأکید می کنند که رفراندوم روز ۱۶ ماه مارس ۲۰۱۴ در باره الحاق کریمه به فدراسیون روسیه غیرقانونی است ، زیرا برگزاری آن با قانون اساسی اوکراین و حقوق بین المللی در تضاد است

آنگل مرکل ، صدر اعظم آلمان در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین از این موضوع صحبت کرد. سیاستمداران دیگر غرب از جمله باراک اوباما ، رئیس جمهور آمریکا نیز قبلاً نظر مشابهی ابراز کرده بودند. اما آمریکا و آلمان و یک سری از کشورهای دیگر مخالفتی با اعلام استقلال یکجانبه کوزوو در سال ۲۰۰۸ میلادی نشان ندادند.

و این در حالی است که نمی توان فرقی بین کوزوو و کریمه پیدا کرد، البته به استثنای این نکته که کریمه قصد دارد به قلمرو کشور دیگری بپیوندد و کوزوو به عنوان مثال به آلبانی ملحق نشد.

شایان ذکر است که در مورد کوزوو ، نه فقط ایده اعلام استقلال آن بلکه شخصیت افرادی که برای به استقلال رسیدن آن تلاش کردند، سوالات زیادی برانگیخت. ابتدا تروریست ها که دستان آنها تا آرنج غرق در خون مردم بیگناه بود ، آلبانی های کوزوو و کشور آنها را رهبری می کردند. با وجود این، ۱۰۸ از ۱۹۳ کشور - اعضای سازمان ملل استقلال کوزوو را برسمیت شناختند. دادگاه بین المللی سازمان ملل مشروعیت استقلال کوزوو را برسمیت شناخت. اینکار به این دلیل انجام شد که در مواردی حق ملل برای تعیین سرنوشت خود بر اصل غیر قابل قبول بودن نقض مرزهای کشوری غلبه می کند.

در این رابطه ادعای اینکه تمایل کریمه برای جدا شدن از اوکراین در تضاد با حقوق بین المللی است عجیب به نظر می رسد. والری وانین حقوق دان بین المللی در این باره گفت: « هر ملتی در شرایطی که در اراضی کشور دولتی وجود نداشته باشد که از منافع تمام اقوام ساکن

پیچیده‌تر از این است". نامه مردم شماره ۹۴۲ اروپا و آمریکا، روسیه را به عنوان نفوذ در اوکراین محکوم میکنند. اما دخالت آشکار خود را در امور داخلی به فراموشی می سپارد. اگر وزیر امور خارجه پوتین در جنبش اعتراضی در آمریکا، انگلستان، و آلمان شرکت می کرد و برای مخالفان سخنرانی می نمود چه پیش می آمد؟

اروپا و آمریکا در سرنگونی یانکوویچ یکه تازی بودند که پس از پیروزی کودتا به تصور اینکه بایک تهدید از جانب "اوباما"، "پوتین" را به عقب نشینی وا می دارند. ولی پوتین یلتسین مست کاخ کرملین نیست الیگارش روسیه نیز در دوران گاریباچف زندگی نمی کنند. نیروهای مترقی و کمونیستهای روسیه نیز دوران فروپاشی را سپری کرده اند و بصورت قدرتی تاثیر گذار عمل می کنند. خواب خیال امپریالیسم در کریمه هم چون سوریه به شکست نزدیک است. تهدید ناوگانهای آمریکا در دریای سیاه و پایگاههای هوایی در لهستان که تهدیدی است جدی برای کشور مستقل بلاروس هم مرز با لهستان و اوکراین نمی توان ساده گرفت. طرف دیگر نیروی نظامی روسیه را نمی توان با عراق و افغانستان و لیبی و غیره مقایسه کرد. روسیه خود ابر قدرتی است که از حمایت قدرت های بزرگ جهانی چون چین و هند و کشورهای چون کوبا، و ونزولا و کشورهای (اسن گ) بلاروس، قزاقستان و کشورهای بلوک های ضد امپریالیست آمریکا لاتین و نیز برخوردار است.

روسیه کشوری است کاملا سرمایه داری ولی با کشورهای امپریالیستی تفاوتی دارد. در اوکراین همانطوری که شاهدش بوده ایم وهستیم. روسیه در موضع تدافعی در رقابت سیاسی جغرافیایی با غرب قرار گرفت. مخدوش کردن تضادهای اصلی جهانی با امپریالیسم و جا بجا کردن آن با روسیه کم بها دادن کودتای راستگرایان تقویت فاشیسم در حاکمیت اوکراین است. در آخرین گفتگوی رهبر حزب کمونیست اوکراین آمده است. اوکراین حاکمیت سیاسی خود را از دست داده است. امروز مشکلات سیاسی در اوکراین حل و فصل نمی شود. در خارج توسط آمریکا، اروپا، فدراسیون روسیه در خارج حل می شود. درباره اتحادیه گمرکی وی گفت: تمام جهان امروز برای تولید انرژی مبارزه می کنند. اوکراین دارای منابع انرژی است؟ بله جایی که اروپا پای خود را برای محصولات ما می خواهد باز کند، من به شما مستقیم می گویم هرگز نباید چنین شود. بدون هیچ توهمی. ماشین سازی ما با ۶۰٪ محصولات آماده اگر وارد اتحادیه گمرکی گردد و آن چیز بیست که اتفاق خواهد افتاد، بنفع ما و اقتصاد اوکراین است. که من عمیقاً به آن اعتقاد دارم.

برگرفته از سایت حزب کمونیست اوکراین

ادامه درص ۱۴

اوکراین در ماههای گذشته، جبهه تازه ای در تخصیصات جهانی را باز کرد. در مقابل جبهه متحدی از اروپا و آمریکا، این بار روسیه در سوی دیگر این نبرد قرار گرفته است. همه شواهد نشان می دهند که این تحولات بی ارتباط با تحولاتی که در سالهای گذشته به نفع روسیه واقع شده اند نیستند. ماندن بشار اسد در سوریه و فرار اسنودن به روسیه، پیروزیهای دیپلماتیک مهمی برای روسیه به حساب می آمدند. با تحولات اوکراین، اکنون روسیه هر چه بیشتر در موقعیت تدافعی قرار می گیرد. تحریم بازیهای المپیک سوچی از سوی رؤسای جمهور برخی کشورهای غربی نشان می دهد که این جدال برخی خطوط دیپلماتیک را نیز پشت سر گذاشته است. سخنرانی شدیدالحن برژینسکی در کنفرانس امنیتی مونیخ که در آن تقریباً بی پرده روسیه را تهدید به افتادن به ورطه جنگ داخلی نموده بود، حکایت از جدیت عزم غرب در تغییر ژئوپلیتیک جهانی داشت. ماریک استرینگ در مقاله خود ارزیابی هایی از میدانهای بعدی نبرد را ارائه می دهد. او به نقض مفاد پیمان هلسینکی از جانب روسیه اشاره می کند و "فراموش می کند" تمام موارد نقض پیمان بین روسیه و ناتو مبنی بر عدم گسترش ناتو به کشورهای همجوار روسیه را نیز ذکر کند. او از حمله بعدی روسیه حرف می زند، اما در حقیقت نوشته وی طرحهایی برای حمله بعدی غرب را بهمیان می کشد.

فروپاشی شوروی و انحلال پیمان ورشو ظاهراً به نظر می رسد که دیگر پیمان ناتو ضرورت وجودی نداشته باشد. اما تمام سیاست های ناتو تا کنون خلاف چنین انتظاری بوده است. بالا بردن دایمی بودجه نظامی، وارد کردن کشورهای جدید به این پیمان از جمله کشورهای سابق کمپ سوسیالیستی، مداخله نظامی در سراسر جهان نشان می دهد که ناتو اهداف تجاوزگرانه خود را با تمام جدیت دنبال می کند. اکنون ناتو بازوی نظامی گسترش سرمایه داری نولیبرال جهانی شده است. فقط در چارچوب چنین سیاستی است که حوادث مهم در کشورهای جداگانه را می توان فهمید. در بحران اوکراین، جرعه بحران با امتناع یا نوکونویچ رئیس جمهور اوکراین در برابر پیوستن به اروپای واحد نولیبرال زده شد.

جمع بندی: در جو تبلیغاتی که در رابطه به اوکراین بوجود آمد. نمی توان افرادی را سرزنش کرد که تحت تاثیر رسانه های غربی، روسیه را به عنوان یک قدرت بزرگ تهاجمی و توسعه طلب تصور می کنند که آماده است تا در هر فرصت به فتح کشورهای همسایه دست زند. و از این جهت دوع و دوشاب برایشان یکی است.

"مطبوعات غربی ناآرامی های اعتراضی بر ضد دولت ویکتور یانوکویچ را در حکم رستاخیز ارزش های دمکراتیک اروپایی در برابر رژیم فاسد هوادار کرملین نشان می دهند. واقعیت. با توجه به رقابت های سیاسی جغرافیایی میان روسیه و اتحادیه اروپا، و همچنین فقر گسترده توده ها پس از فروپاشی اتحاد شوروی- بسیار

مستقل مردمی نمی‌تواند به‌تصور آورد. کارپنکو: بله ما بدون همکاری با این جمهوری‌ها نمی‌توانیم استقلال و رفاه را برای مردم بیاوریم، و به چنین رویکرد اصولی‌ای همکاری با این جمهوری‌ها مادام که از سوی روسیه حمایت می‌شود، به آن ادامه خواهیم داد و حتی برای ایجاد روابطی تنگاتنگ تر هم حاضر خواهیم بود.
م. چابکی ۲۰۱۴/۱۲/۰۳

۲۰۱۴/۰۳/۱۲ اما ایگور کارپنکو رهبر حزب کمونیست بلاروس در مقابل سؤال خبر نگار پراود چنین پاسخ می‌دهد: ” مصاحبه پراودا“: لوکاشنکو در جلسه اتحاد دولت‌های مردمی (س.ن.گ)، که در شهر مینسک برگزار شده بود گفت که، بلاروس استقلال خود را بدون همکاری نزدیک با کشورهای

گرامی باد روز جهانی زبان مادری



ناسیونالیسمی نزدیک به شونیزم شکل گرفته بود و هم از این روی زبان فارسی نه فقط به عنوان زبان رسمی و اداری، که به عنوان تنها زبان مجاز نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و انتشارات و... تعیین و دیگر زبان‌های موجود در ایران از حق آموزش و انتشار و در نتیجه از حق رشد و ارتقاء محروم شدند.

پهلوی دوم نیز سیاست رضا شاه را در مورد سرکوب زبان‌های غیر فارسی پی گرفت. در نظام آموزشی ایران کودکان فارسی زبان در نخستین سال‌های مدرسه خواندن و نوشتن زبان مادری خود را می‌آموزند و کودکان غیر فارسی زبان با یکی از بزرگ‌ترین تبعیض‌ها و نابرابری‌های زندگی خود رو به رو شده و باید زبانی نو و تازه را فراگیرند و هم از این روی در همان نخستین سال‌های مدرسه افت و عقب ماندگی تحصیلی بر آنان آوار می‌شود. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی، اکثریت ۵ میلیون دانش‌آموزانی «که در ۶ سال اخیر مردود شده‌اند» کودکانی هستند که زبان فارسی زبان مادری آن‌ها نیست. بر اساس آمار رسمی مجموعه غیرفارسی زبان‌های ایرانی نسبت بر فارسی زبانان پیشی دارند. محروم کردن اکثریت مردم یک کشور از حقوق فرهنگی خود، محروم کردن زبان‌های غیر فارسی از حقوق مساوی با زبان رسمی به بهانه حفظ یکپارچگی و وحدت ملی، که ناچار با نابرابری شهروندان و تبعیض بین آنان همراه است، می‌تواند واکنش‌های افراطی و منفی را در هر دو سو برانگیزد. تبعیض زبانی و فرهنگی بین شهروندان یک کشور وحدت ملی را کاهش داده و اعتراض‌بدان از حوزه زبان و فرهنگ به حوزه سیاست عبور و در فضائی مناسب به انفجار بحران‌های سیاسی بزرگ کمک می‌کند. گرایش‌های تجزیه طلبانه‌ای را که گاه‌گاه و به شکل‌های گوناگون در تاریخ ایران رخ نموده و رخ ادامه درص ۱۵

۲۱ فوریه مصادف است با روز جهانی زبان مادری. پس از سالها مجاهدت و مبارزات جامعه بشری بخصوص اقلیت‌های ملی و قومی کشورهای چند ملیتی، سرانجام سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یونسکو، در سال ۱۹۹۹ بیست و یکم فوریه را بعنوان "روز جهانی زبان مادری، برسمیت شناخت. با به رسمیت شناختن این روز به یکی از حادترین مشکلات جامعه بشری که از دیرباز با آن مواجه بوده است، پاسخ مثبت داده شد. این موفقیت سرآغازی برای سازماندهی جهانی مبارزه، برای تحقق زبان مادری ارزیابی گردید. حفظ زبان‌هایی که با خطر نابودی و فراموشی رو به رو هستند و دفاع از حق زبان‌هایی که متکلمان بدان‌ها در کشورهای گوناگون در اقلیت بوده و با سرکوب زبان مسلط درگیرند، از هدف‌های اصلی روز جهانی زبان مادری است.

بر اساس گزارش سازمان جهانی یونسکو، که ۲۱ فوریه را به عنوان روز زبان مادری نامگذاری کرده است، نیمی از ۶ هزار زبانی که مردم جهان بدان سخن می‌گویند در حال نابودی است. به گفته متخصصان یونسکو با نابودی هر زبان بخشی از گنجینه فرهنگ بشری نابود می‌شود. در ایران نیز زبان‌های کوچکی چون «تاتی» چنین سرنوشتی را تجربه می‌کنند.

حساسیت سیاسی زبان مادری در ایران اما نه به زبان‌های کوچکی چون تاتی که به زبان‌های بزرگی چون ترکی، کردی و بلوچی و... بر می‌گردد. با سرکوب حکومت مرکزی به سود زبان فارسی از سوئی و گرایش‌های جدائی‌خواهانه در برخی مناطق از دیگر سو، شرایط غامضی بوجود آورده است. که تا بحال پاسخ مناسبی برای آن داده نشده است. حکومت خود مختار فرقه دمکرات آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵) توانست راه حل مناسب و عملی برای مشکل زبان مادری ارائه دهد، که با سرکوب امپریالیسم و ارتجاع مواجه شد. در نتیجه تداوم پیدا نکرد.

ایدئولوژی رسمی حکومت ایران در دوران پهلوی اول، که مدارس مدرن در سراسر کشور تاسیس شدند، بر بستر «احیاء عظمت گذشته شاهنشاهی کهن ایرانی» و

گرامی باد روز جهانی...

می نمایند نیز می توان در برخی از ابعاد آن بر مبنای اعتراض به تبعیض زبانی بررسی کرد هر چند در این عرصه عوامل تاریخی، سیاسی، اقتصادی و... نیز نقش دارند. جامعه بشری بر این باور است که هر ملتی حق دارد، نه تنها به زبان خودش حرف بزند، بلکه این حق را هم دارد که آن زبان توسط دیگران به رسمیت شناخته شود و در رسانه ها و نظام آموزشی از آن استفاده شود. به خصوص برای زبان هایی که اقلیت ها با آن صحبت می کنند. با این همه در بسیاری از کشورهای دنیا این زبانها نه در رسانه ها و نه در نظام آموزشی و نه در فعالیت های اداری به رسمیت شناخته نمی شوند.

ایران یکی از همان کشورهایی است که مصداق خوبی برای این مثال است. در ایران از دیرباز زبان فارسی، زبان رسمی ما محسوب می شود. و در سطح تولید علمی و فرهنگی و همچنین در سطح نظام آموزشی و رسانه ای زبان فارسی کاربرد دارد. در حالیکه همه می دانند که در ایران زبان های دیگری هم وجود دارد که توسط گروه های وسیعی از مردم صحبت می شود و خیلی از افراد این کشور زبان اول شان زبان فارسی نیست.

اینکه زبان های غیر فارسی به جز در روابط غیررسمی، اجتماعی و خانوادگی کاربردی ندارند، موضوع یک مشکل بزرگ اجتماعی برای کشور ماست. مثلا در نظام آموزشی، عدم کاربرد یک زبان مادری یک نوع تحمیل و محرومیت برای کودکانی است که با زبان اصلی و رسمی کشور آشنایی ندارند. در حالیکه با زبان مادری آشنایی کامل دارند. بسیاری از مشکلات آموزشی که در ایران به وجود می آید ناشی از این است که شروع مراحل تحصیلی کودکان با زبان مادری شان نیست و با یک زبانی است که با آن در عمل بیگانه هستند و نمی توانند با آن ارتباط فرهنگی لازم را برقرار کنند. جالب است گفته شود که طی سالیان دراز در ایران و در خیلی از کشورهای دنیا تصور می شد و هنوز هم در بین خیلی از روشنفکران که عده ای از آنان حتی از میان اقلیت های قومی بر خاسته اند، این تصور وجود دارد، که به رسمیت شناختن زبان های مادری راه را برای تضعیف وحدت ملی باز می کند. و این باور وجود داشته و دارد که با به رسمیت شناختن این زبان ها جامعه از رشد علمی و فرهنگی لازم باز می ماند. اما تجربه هایی که الان در دنیا وجود دارد ثابت کرده، که هیچ تناقضی بین به رسمیت شناختن زبان های مادری و وحدت و یگانگی ملی و پیشرفت و ترقی وجود ندارد. مثلا در یک کشوری مثل هند ۲۲ زبان توسط نظام آموزشی به رسمیت شناخته می شود ولی هند همچنان یک کشور واحد باقی مانده است. و از زمره کشورهایی است که به لحاظ پیشرفت علمی در سطح فوق العاده ای در جهان قرار دارد. به عنوان یک تجربه دیگر می توان کشور اسپانیا را نمونه آورد. بعد از سقوط فرانکو در اواخر دهه هفتاد، زبان های محلی هم در کنار زبان اسپانیایی

به رسمیت شناخته شدند و بنابر این از آن پس بچه هایی که زبان مادری شان زبان اسپانیایی نیست، مجبور نیستند که شروع نظام آموزشی خودشان را با زبان اسپانیایی آغاز کنند. اما همین کودکان به تدریج زبان اسپانیایی را هم یاد می گیرند. کشور اسپانیا از ۱۷ بخش خود مختار و ۵۰ استان تشکیل شده است. این مسئله بر خلاف تصور برخی ها، یکپارچگی و وحدت اسپانیا را بهم نزد و پیشرفت و ترقی این کشور را مانع نشد.

مساله «زبان مادری» نه فقط از مهم ترین مسائل فرهنگی، که از حساس ترین معضلات سیاسی ایران بوده است. حق برابری همه زبان ها در یک کشور چند زبانه از شاخصه های اصلی دموکراسی و برابری همه شهروندان در برابر قانون است. در تمام جنبش های اجتماعی از انقلاب مشروطه گرفته تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ توجه به "زبان مادری" غیر فارسی زبان ها از اهم خواست های مردم و نیروهای دمکراتیک به حساب آمده است. به همین خاطر در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر آمدی از یکی از اهداف انقلاب بود، حقوق زبان های غیر فارسی به رسمیت شناخته شده است. بند اول این اصل چند زبانه بودن مردم ایران را می پذیرد و استفاده از زبان های قومی و محلی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آن ها در مدارس، در کنار زبان فارسی را به رسمیت می شناسد. این اصل گرچه به نظر ما با کاستی هایی روبرو است. اما در همین حد نیز مثل بسیاری از اصول مردمی قانون اساسی نا دیده گرفته شد.

محروم بودن ایرانیان غیرفارسی زبان از حق آموزش و انتشار آثار به زبان مادری، حذف زبان های غیرفارسی از رسانه ها و اسناد و مکاتبات اداری مناطقی که اکثریت یا تمامی ساکنان آن ها به زبانی جز فارسی سخن می گویند، سیاست سرکوب سازمان یافته ای است که به دوران پهلوی اول و دوم بر می گردد و در تداوم این سنت جمهوری اسلامی نقشی مهم ایفا کرده است. دلایل آن به جمهوری بودن و یا شاهنشاهی بودن نیست. به ساختار دمکراتیک و غیر دمکراتیک بودن حاکمیت بر می گردد. در کشورهای چند زبانه ای که از نعمت ساختار سیاسی غیرمتمرکز و دمکراتیک برخوردار هستند، شهروندان و زبان های گوناگون آن ها از حقوق برابر، از جمله حق آموزش و انتشار آثار به زبان مادری، بهره مندند، همین مسئله ثابت کرده است که چند زبانه بودن یک کشور نه منشا اختلاف و سرکوب یا تجزیه و جدائی طلبی که بستری است برای غنا، ارتقاء و تبادل خلاق فرهنگی و پیشرفت علم و دانش. به همین دلیل آموزش به زبان مادری، که به ناچار باید با آموزش زبان رسمی کشور همراه شود، در کشوری چند زبانه چون ایران چندان آسان نیست زیرا به امکانات آموزشی و مالی، برنامه ریزی علمی، بهره گیری از تجربه های

